



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



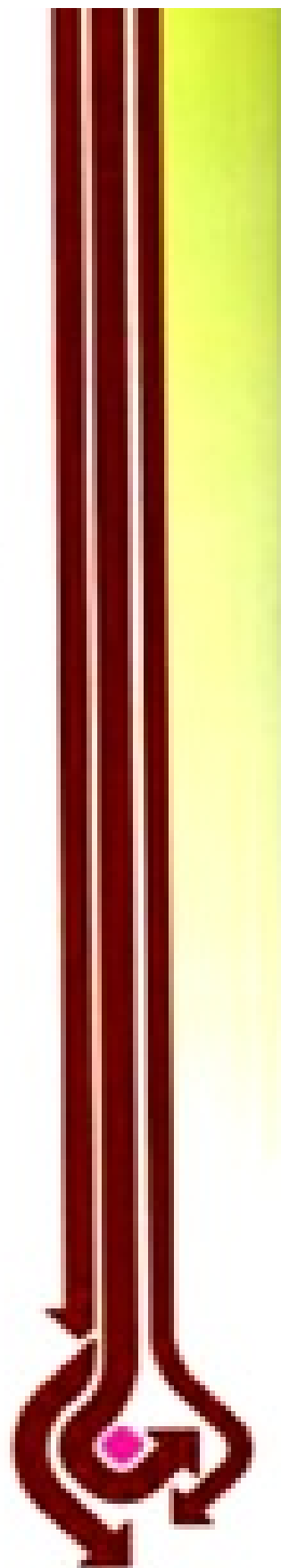
عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

فکرنامه
اغنیت ملی

محمدی‌ای شری

مترجم، عبیدمانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ نامه امنیت ملی فارسی-عربی

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	فرهنگ نامه امنیت ملی فارسی-عربی
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	پیش گفتار
۱۳	اشاره
۱۷	درآمد
۱۷	واژه شناسی «امنیت»
۱۸	امنیت ، در قرآن و حدیث
۱۸	۱ . جایگاه امنیت ملی در نظام اسلامی
۱۹	۲ . سرزمین نمونه در امنیت
۲۰	۳ . مسئولیت نظام اسلامی در برقراری امنیت
۲۰	۴ . خطرناکترین تهدیدهای امنیتی
۲۱	۵ . سیاست های امنیتی امام علی علیه السلام
۲۵	فصل یکم : جایگاه امنیت ملی در نظام اسلامی
۲۵	۱ / ۱ امنیت ، نعمتی بزرگ
۳۱	۲ / ۱ نکوهش نبود امنیت
۳۳	۳ / ۱ مسئولیت فرمان روایان در امنیت کشور
۳۷	۴ / ۱ نقش دعا در امنیت
۴۵	۵ / ۱ شهر نمونه در امنیت
۴۹	۶ / ۱ امنیت موعود
۵۸	فصل دوم : خطرناک ترین آسیب های امنیت
۵۸	۱ / ۲ اختلاف

۶۵ ۲ / ۲ ستم
۶۷ ۳ / ۲ ناسپاسی
۷۵ فصل سوم : سیاست های امنیتی امام علی علیه السلام
۷۵ ۱ / ۳ کسب اطلاعات
۷۹ ۲ / ۳ اصلاح دشمنان
۸۱ ۳ / ۳ سازش به همراه زیرکی
۸۳ ۴ / ۳ هوشیاری کامل در برابر دشمن
۸۷ ۵ / ۳ کوچک نشمردن دشمن
۸۷ ۶ / ۳ خیرخواهی نخواستن از دشمن ، جز برای آزمودن
۸۹ ۷ / ۳ موقعیت شناسی در برخورد با دشمنان
۹۱ ۸ / ۳ کیفر ندادن بر پایه گمان و اتهام
۹۷ ۹ / ۳ پرهیزاندن از شکنجه
۱۰۱ ۱۰ / ۳ پرهیزاندن از دشنام
۱۰۳ ۱۱ / ۳ نرم خویی تا زمانی که توطئه در کار نباشد
۱۰۷ ۱۲ / ۳ تبعید یا زندانی کردن توطئه گران
۱۱۱ فهرست منابع و مآخذ
۱۲۲ درباره مرکز

فرهنگ نامه امنیت ملی فارسی-عربی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ نامه امنیت ملی فارسی-عربی/محمّدی ری شهری؛ مترجم حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ص.

فروست: پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۲۰۹.

شابک: ۱۲۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۴۹-۰۲.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۰۳]-۱۱۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- دیدگاه درباره امنیت ملی

موضوع: امنیت ملی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: امنیت ملی -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده: شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷-، مترجم

شناسه افزوده: موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره: BP۲۳۱/م۳۲ف۴ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۴۰۵۷۴

ص: ۱

اشاره

ص: ۷

پیش گفتار

اشاره

پیشگفتار فرهنگ نامه، کتابی است که در آن، دانش، فرهنگ (۱) و حکمت باشد و فرهنگ نامه بصیرت، قطره‌ای از دریای بیکران علوم و معارف ناب اسلامی و مدخلی (۲) دیگر از دانش نامه قرآن و حدیث است که به صورت مستقل، منتشر می‌شود. در این دانش نامه، واژه‌ها و اصطلاحاتی که در قرآن و احادیث، کاربرد فرهنگی گسترده‌ای دارند، به ترتیب الفبایی، با نظمی نوین و با ذکر نمونه‌ها (شواهد)، معناشناسی و تحلیل و تبیین می‌گردند. در لابه‌لای این دانش نامه، برخی مدخل‌ها، از کاربرد فرهنگی ویژه و بسامد استفاده بالایی برخوردارند. بدین معنا که عموم مسلمانان و یا گروه‌های خاصی از آنان، به صورت شبانه‌روزی و گسترده، با آنها، سر و کار دارند. از این رو، به منظور تصحیح و تقویت فرهنگ عمومی جوامع اسلامی، ضروری است معارف مربوط به این

-
- ۱- فرهنگ: علم؛ دانش؛ ادب؛ تربیت؛ پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام، شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است (ر. ک: لغت نامه دهخدا، فرهنگ معین و فرهنگ بزرگ سخن).
 - ۲- در دانش نامه‌ها، به هر واژه اصلی که توضیحی (مقاله‌ای) در ذیل خود دارد، «سرواژه» یا «مدخل» می‌گویند. به مجموع سرواژه و توضیح، بر روی هم، نیز «مدخل» گفته می‌شود (ر. ک: فرهنگ بزرگ سخن).

ص: ۸

گونه واژه ها و اصطلاحات ، به صورت «کتابِ همراه» و «کتاب راه نما» ، در اختیار همگان قرار گیرد . با این نگاه ، مدخل هایی از این دست که گفتیم ، به صورت کتاب هایی مستقل و در اندازه هایی که حمل و مطالعه آن آسان باشد ، در اختیار علاقه مندان قرار می گیرند . گفتنی است که در این سلسله آثار ، برای آنچه مربوط به رفتار یا احوال خاص است (مانند : ادب ، اذان ، شادی و آرزو) ، نام «فرهنگ نامه» و برای آنچه مربوط به گروه های اجتماعی (مانند : کارگران ، بسیجیان ، جوانان و کودکان) می شود و یا آموزه های حکیمانه پیشوایان بزرگ اسلام یا حکمای بزرگ الهی (چون لقمان حکیم) را ارائه می نماید ، نام «حکمت نامه» را برگزیدیم . فرهنگ نامه امتیّت ملی ، پنجمین کتاب (۱) از مجموعه فرهنگ نامه هایی است که با هدف تصحیح و تقویت فرهنگ ارزش های رفتاری ، در دست تدوین است . این فرهنگ نامه ، برای نخستین بار ، رهنمودهای قرآن و احادیث اسلامی را در زمینه های جایگاه امتیّت ملی ، سرزمین نمونه در امتیّت ، مسؤولیت حکومت اسلامی در تأمین امتیّت اجتماعی ، امتیّت موعود در جهان اسلام ، خطرناکترین تهدیدهای امتیّتی و سیاست های امتیّتی امام علی علیه السلام را با نظمین نوین در سه فصل ارایه می نماید .

۱- تاکنون فرهنگ نامه های ادب ، اذان ، آرزو ، و بصیرت ، منتشر و در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است .

ص: ۹

شایان ذکر است که متن آیات و روایات این مجموعه با همکاری محققان «پژوهشکده علوم و معارف حدیث» گردآوری شده، از ایشان و سایر همکارانی که در ساماندهی نهایی این اثر سهیم هستند، و نیز مترجم گرانقدر آن، فاضل ارجمند، آقای حمیدرضا شیخی که با ترجمه روان و زیبای خود، فهم این فرهنگ نامه را برای پارسی زبانان میسر ساخت، صمیمانه سپاس گزارم و از خداوند مَنَّان، برای آنان پاداشی فراوان و در خور فضل و کرامتش، مسئلت دارم. رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ مُحَمَّدی ری شهری نهم دیماه ۱۳۸۸ سیزدهم محرم ۱۴۳۱

ص: ۱۰

..

ص: ۱۱

درآمد

واژه شناسی «امنیت»

درآمدواژه شناسی «امنیت» واژه «أمن» ، مصدر است و در اصل ، دلالت بر دو معنای نزدیک به هم دارد : یکی آرامشِ دل ، و دیگری تصدیق ؛ زیرا انسان ، چیزی را تصدیق می کند و گواهی می نماید که نسبت به آن ، اطمینان دارد و دلش آرام است ، ابن فارس ، در این باره می گوید : همزه و میم و نون ، دو اصل [معنایی] متقارب اند : یکی امانت که : ضدّ خیانت و به معنای آرامشِ دل است ، و دیگری گواهی دادن و دو معنا ، همان گونه که گفتیم به هم نزدیک اند... مرد ، زمانی قابل اعتماد است که مردم از او در امان باشند و نگران غائله آفرینی اش نباشند . (۱) راغب در المفردات می نویسد : ریشه «أمن» ، آرامش خاطر و رفع نگرانی است. امن و امانت و امان ، در اصل مصدر هستند . (۲)

۱- .. معجم مقاییس اللغه : ج ۱ ص ۱۳۴ .

۲- .. مفردات ألفاظ القرآن : ص ۹۰ .

ص: ۱۲

امنیّت ، در قرآن و حدیث

۱ . جایگاهِ امنیّتِ مَلّی در نظامِ اسلامی

اما در این جا مطلقِ امنیّت ، موضوع سخن نیست ؛ بلکه یکی از مصادیق معنای نخست آن ، یعنی امنیّت اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد .

امنیت ، در قرآن و حدیث در قرآن و احادیث اسلامی ، کلمه «امن» و مشتقات آن ، در معانی مختلفی به کار رفته است ؛ مانند : امانت ، (۱)ایمان ، (۲)امنیت در برابر خطرهایی که در جهان پس از مرگ ، انسان را تهدید می نماید (۳)و امنیت در مقابل خطرهایی که آرامش اجتماعی انسان را تهدید می کند . (۴)همان طور که اشاره شد در این جا تنها متونی ارائه می گردد که مرتبط با امنیت اجتماعی و مَلّی ست . پیش از آن ، توجه خوانندگان گرامی را به چند نکته جلب می کنیم :

۱ . جایگاهِ امنیّتِ مَلّی در نظامِ اسلامی از منظر متون اسلامی ، امنیت مَلّی ، یکی از بزرگ ترین و گواراترین نعمت های الهی است که با نعمت تن درستی و سلامت برابری می کند ، همه مردم به آن نیاز دارند و بدون آن ، شادی در زندگی بی مفهوم است ؛ ولی با این همه کمتر کسی قدر این نعمت بزرگ را می داند :

۱- .. ر . ک : دانش نامه میزان الحکمه : ج ۷ ص ۳۲۱ (ریشه شناسی امانت) .

۲- .. ر . ک : همان : ج ۸ ص ۵۷ (معنای لغوی ایمان) .

۳- .. مقصود ، امنیّت از عذاب الهی است که در آیات و روایات فراوانی به آن اشاره شده است .

۴- .. ر . ک : ص ۵۱ (فصل دوم : خطرناک ترین آسیب های امنیّت) .

ص: ۱۳

۲ . سرزمین نمونه در امتیّت

نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ : الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ . (۱) دو نعمت اند که کفران می شوند: امتیّت و سلامت . در مقابل ، نبودِ امتیّت یکی از سخت ترین نعمت های الهی است . زندگی برای مردمی که امتیّت ندارند ، لذتبخش نیست و معیار ارزش وطن ، میزان برخورداری آن از امتیّت است ؛ بلکه چنان است که از امام علی علیه السلام روایت شده : شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقَطَّانُ . (۲) بدترین وطن ، جایی است که ساکنانش در آن ، در امان نباشند .

۲ . سرزمین نمونه در امتیّتهامیّت امتیّت اجتماعی در اسلام ، تا آن جاست که مرکز طلوع خورشید تابناک این آیین آسمانی ، یعنی مکه ، «البلد الامین (شهر امن)» نامیده شده و مقرّرات شدیدی برای اجتناب از هرگونه نزاع ، کشمکش و جنگ و خونریزی در این سرزمین مقدّس ، وضع شده است ، (۳) به گونه ای که نه تنها انسان ها باید در آن از امتیّت مطلق برخوردار باشند ؛ بلکه حیوانات ، پرندگان و گیاهان نیز در امن و امان هستند و کسی حقّ ایجاد کمترین مزاحمت برای آنها را ندارد . می توان گفت ارزش بودن مطلق امتیّت در مکه ، در واقع برای ارائه شهر نمونه اسلامی است و مسئولان نظام اسلامی ، باید تلاش کنند تا

۱- .. ر . ک : ص ۲۰ ح ۴ .

۲- .. ر . ک : ص ۲۴ ح ۱۴ .

۳- .. برای آگاهی از این مقرّرات به منابع فقه ، مراجعه فرمایید .

ص: ۱۴

۳ . مسئولیت نظام اسلامی در برقراری امنیت**۴ . خطرناکترین تهدیدهای امنیتی**

سایر بلاد اسلامی را از امنیت لازم، برخوردار نمایند، چنان که در دوران حکومت امام مهدی علیه السلام امنیت مطلق، جهان را فرا خواهد گرفت. (۱)

۳. مسئولیت نظام اسلامی در برقراری امنیتنکته دیگری که حاکی از اهمیت امنیت اجتماعی در اسلام است، مرتبط کردن آن با فلسفه رسالت و امامت در روایات اسلامی است؛ چنان که پیامبر خدا، در پاسخ به سؤال از فلسفه رسالت خود می‌فرماید: بَأَنَّ تَوَصَّلَ الْأَرْحَامُ وَتُحَفَّنَ الدَّمَاءُ وَتُؤَمَّنَ السُّبُلُ. (۲) خویشاوندی پیوند داده شود، خون‌ها حفظ گردد و راه‌ها امن گردند. همچنین، اشاره به حفظ و صیانت مرزهای بلاد اسلامی، و ایجاد امنیت برای ستم‌دیدگان، در تبیین فلسفه زمامداری امامان اهل بیت علیهم السلام در روایات اهل بیت علیهم السلام حاکی از مسئولیت سنگین حاکمان اسلامی در برقراری امنیت اجتماعی است. (۳)

۴. خطرناک‌ترین تهدیدهای امنیتی از نظر قرآن و احادیث اسلامی، مهم‌ترین خطرهایی که امنیت جامعه بشر را تهدید می‌کنند، عبارت است از: اختلافات سیاسی و اجتماعی،

۱- .. ر. ک: ص ۴۳ (امنیت موعود).

۲- .. ر. ک: ص ۲۶ ح ۱۷.

۳- .. ر. ک: ص ۲۷ (مسئولیت فرمان‌روایان در امنیت کشور).

۵. سیاست های امنیتی امام علی علیه السلام

تجاوز به حقوق مردم، و ناسپاسی نعمت های الهی. و این درس بزرگی است برای حکومت ها که تنها با تکیه بر قدرت اطلاعاتی و نظامی، نمی توان امنیت جامعه را تأمین کرد. دولت مردانی که بخواهند جامعه آنها از امنیت کامل برخوردار باشند، باید تلاش کنند از اختلافات داخلی و خارجی بکاهند، عدل و انصاف را بگسترند و مردم را به سپاس و قدردانی از نعمت های الهی، تشویق نمایند، که هر چه اختلافات و تجاوز به حقوق دیگران، کمتر، و سپاس گزاری از نعمت های الهی بیشتر باشد، جامعه از امنیت و آرامش افزون تری برخوردار خواهد بود.

۵. سیاست های امنیتی امام علی علیه السلام یکی از مسائل بسیار مهم در باب امنیت اجتماعی، سیاست های امنیتی از نگاه اسلام است. برای آشنایی با اصول سیاست های امنیتی اسلام مروری اجمالی خواهیم داشت بر سیاست های امنیتی امام علی علیه السلام، این سیاست ها به طور خلاصه عبارت اند از: الف برنامه ریزی برای دستیابی به اطلاعات و شناخت های لازم از تهدیدهای امنیتی و عوامل آن؛ ب برنامه ریزی برای تبدیل کردن تهدیدهای امنیتی به فرصت های امنیتی؛ و از جمله اصلاح دشمنان و تبدیل کردن آنها به دوست. ج اجتناب از درگیری با دشمنان، بدون ضرورت؛ د هوشیاری در برابر توطئه هایی که امنیت جامعه را تهدید

ص: ۱۶

می‌کنند؛ ه رعایت ارزش های اخلاقی در کشف توطئه های ضدّ امتیّتی و برخورد با عوامل آنها؛ و برخورد قاطع و ریشه ای با عوامل و آفات تهدید کننده امتیّت اجتماعی . توضیح این اجمال در فصل سوم این فرهنگ نامه خواهد آمد . به امید آن که دولتمردان جمهوری اسلامی ایران با الهام از رهنمودهای سازنده قرآن و اهل بیت علیهم السلام همه توان خود را در جهت تقویت امتیّت اجتماعی این نظام مقدس و نزدیک تر شدن به حکومت علوی به کار گیرند ، و زمینه ساز امتیّت موعود جهان به رهبری حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند .

ص: ۱۷

..

ص: ١٨

الفصل الأول: موقع الأمن الوطني في النظام الإسلامي ١ / الأمن نعمة عظيمة الكتاب «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرُوا فِيهَا لَيْالِي وَ أَيَّامًا ءَامِنِينَ» . (١)

الحديث رسول الله صلى الله عليه و آله في قوله تعالى: «ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (٢): الأمن وَالصَّحَّةُ . (٣)

١- .. سبأ : ١٨ .

٢- .. التكاثر : ٨ .

٣- .. تاريخ أصبهان: ج ٢ ص ١٤٥ الرقم ١٣٢٢، تفسير ابن كثير: ج ٨ ص ٤٩٧ كلاهما عن عبد الله بن مسعود؛ مجمع البيان: ج ١٠ ص ٨١٢ عن عبد الله بن مسعود من دون إسناد إلى أحد أهل البيت عليهم السلام ، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ١٥٣ عن الإمام الباقر عليه السلام بزياده «وولايه علي بن أبي طالب» في آخره، إرشاد القلوب : ص ٣٧ عن الإمام علي عليه السلام بزياده «القوه والعافيه» في آخره، بحار الأنوار : ج ٢٤ ص ٥٤ ح ١٤ .

فصل یکم : جایگاه امتیّت ملی در نظام اسلامی

۱ / ۱ امتیّت ، نعمتی بزرگ

فصل یکم : جایگاه امتیّت ملی در نظام اسلامی ۱ / ۱ امتیّت ، نعمتی بزرگ گقرآن «و میان آنان و میان آبادی هایی که در آنها برکت نهاده بودیم ، شهرهای متّصل به هم قرار داده بودیم و در میان آنها مسافت را ، به اندازه ، مقرّر داشته بودیم . در این [راه]ها ، شب ها و روزها آسوده خاطر بگردید» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره این سخن خداوند متعال : «سپس ، در آن روز ، قطعاً از نعمت پرسش می شوید» : [مقصود از نعمت] امتیّت و سلامت است .

ص: ۲۰

تفسیر القمی فی قوله تعالی : «وَأِنْ تُصَبِّحْ بِهِمْ حَسَنَةً يُقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصَبِّحْ بِهِمْ سَيِّئَةً يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ» (۱) : عَنِ الصَّيَادِقِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّهُمْ قَالُوا : الْحَسَنَاتُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَلَى وَجْهَيْنِ ، وَالسَّيِّئَاتُ عَلَى وَجْهَيْنِ ، فَمِنْ الْحَسَنَاتِ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ : الصَّحَّةُ وَالسَّلَامَةُ وَالْأَمْنُ وَالسَّعَةُ وَالرِّزْقُ ، وَقَدْ سَمَّاها اللَّهُ حَسَنَاتٍ ، «وَأِنْ تُصَبِّحْ بِهِمْ سَيِّئَةً» يَعْنِي بِالسَّيِّئَةِ هَاهُنَا : الْمَرَضُ وَالْخَوْفُ وَالْجُوعُ وَالشَّدَّةُ . (۲)

رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَعِنْدَهُ ثَلَاثٌ فَقَدْ تَمَّتْ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ فِي الدُّنْيَا : مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى مُعَافِيً فِي بَدَنِهِ ، آمِنًا فِي سِرْبِهِ (۳) ، عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمِهِ ، فَإِنْ كَانَتْ عِنْدَهُ الرَّابِعَةُ فَقَدْ تَمَّتْ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ؛ وَهُوَ الْإِسْلَامُ . (۴)

عنه صلى الله عليه وآله : نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ (۵) ؛ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ . (۶)

۱- .. النساء: ۷۸.

۲- .. تفسیر القمی: ج ۱ ص ۱۴۴، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۲۰۲ ح ۲۷ .

۳- .. أصبح آمنا في سربه أي في نفسه . وفلان آمن السرب: لا يغزى ماله ونعمته لغيره (لسان العرب: ج ۱ ص ۴۶۳ «سرب»).

۴- .. الكافي: ج ۸ ص ۱۴۸ ح ۱۲۷ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول: ص ۳۶ وفيه «الإيمان» بدل «الإسلام» ، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۷۷ ح ۱۳۹ ح ۱۵ وراجع: كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۴ ص ۴۶۹ ح ۵۹۱۶ وسنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۸۷ ح ۴۱۴۱ .

۵- .. قال العلامة المجلسي قدس سره: «مكفورتان» أي مستورتان عن الناس، لا يعرفون قدرهما، أو لا يشكرهما الناس لغفلتهم عن عظم شأنهما (بحار الأنوار: ج ۸ ص ۱۷۰).

۶- .. الخصال: ص ۳۴ ح ۵ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ۸ ص ۱۷۰ ح ۱ .

ص: ۲۱

تفسیر القمی درباره این سخن خداوند متعال : «و اگر به آنان خوبی رسد ، می گویند : «این ، از نزد خداست» ، و اگر به آنان ، گزند برسد ، می گویند : «این ، از جانب توست» . بگو : «هر دو از جانب خداست» : از پیشوایان معصوم ، روایت شده است که فرمودند : «خوبی ها در کتاب خدا بر دو گونه اند ، و بدی ها نیز دو گونه . از جمله خوبی ها که خداوند نام برده ، تن درستی و سلامت و امتیّت و گشایش [رفاه] و روزی است . خداوند ، اینها را خوبی نامیده است ، «و اگر بدی [و گزند] به آنها برسد» ، مقصودش از بدی در این جا ، بیماری و ترس و گرسنگی و سختی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس شب و روز خود را سپری کند و از سه چیز ، برخوردار باشد ، نعمت دنیا را کامل دارد : کسی که بام و شامش را در تن درستی و آسایش خاطر بگذراند (۱) و خوراک روزانه خود را داشته باشد . حال اگر چهارمین نعمت را هم داشته باشد ، نعمت دنیا و آخرت بر او کامل شده است و آن نعمت ، اسلام است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دو نعمت اند که قدرشان ناشناخته است (۲) : امتیّت و سلامت .

۱- یعنی امتیّت جانی و مالی داشته باشد .

۲- یا : قدرشناسی و سپاس گذاری نمی شوند .

ص: ۲۲

الإمام علی علیه السلام : أَسْكَنَ سُبْحَانَهُ آدَمَ دَارًا أَرْغَدَ (۱) فِيهَا عَيْشُهُ ، وَأَمَّنَ فِيهَا مَحَلَّتَهُ . (۲)

عنه عليه السلام : لَا نِعْمَةَ أَهْنَأُ مِنَ الْأَمْنِ . (۳)

عنه عليه السلام : نَمَّ آمِنًا، تَكُنْ فِي أَمْهَدِ (۴) الْفُرْشِ . (۵)

عنه عليه السلام : كُلُّ سُورٍ يَحْتَاجُ إِلَى أَمْنٍ . (۶)

عنه عليه السلام : رَفَاهِيَةُ الْعَيْشِ فِي الْأَمْنِ . (۷)

الإمام الصادق عليه السلام : النَّعِيمُ فِي الدُّنْيَا الْأَمْنُ وَصِحَّةُ الْجِسْمِ ، وَتَمَامُ النَّعْمَةِ فِي الْآخِرَةِ دُخُولُ الْجَنَّةِ ، وَمَا تَمَّتِ النَّعْمَةُ عَلَى عَبْدٍ قَطُّ [مَا] (۸) لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ . (۹)

عنه عليه السلام : ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرًا إِلَيْهَا : الْأَمْنُ ، وَالْعَدْلُ ، وَالْخِصْبُ (۱۰) . (۱۱)

۱- .. [يُقَالُ] : صَارُوا فِي رَغَدٍ مِنَ الْعَيْشِ : أَيْ فِي رِزْقٍ وَاسِعٍ (مجمع البحرين: ج ۲ ص ۷۱۴ «رغد»).

۲- .. نهج البلاغه: الخطبه ۱، بحار الأنوار: ج ۶۳ ص ۲۱۳ ح ۴۸.

۳- .. غرر الحكم: ج ۶ ص ۴۳۵ ح ۱۰۹۱۱، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۴۴ ح ۱۰۱۱۹.

۴- .. مَهْدَتُ الْفِرَاشِ: إِذَا بَسَطْتَهُ وَوَطَّأْتَهُ (مجمع البحرين: ج ۳ ص ۱۷۲۹ «مهده»).

۵- .. المواعظ العددية: ص ۶۱.

۶- .. بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۷ ح ۵۹ نقلًا عن مطالب السؤل.

۷- .. غرر الحكم: ج ۴ ص ۱۰۰ ح ۵۴۳۸، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۷۱ ح ۴۹۸۳.

۸- .. ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.

۹- .. معاني الأخبار: ص ۴۰۸ ح ۸۷ عن زيد الشحام، بحار الأنوار: ج ۸۱ ص ۱۷۲ ح ۸.

۱۰- .. الْخِصْبُ: نَقِيسُ الْجَدْبِ، وَهُوَ كَثْرَةُ الْعُشْبِ وَرِفَاغُهُ الْعَيْشِ . وَمَكَانٌ خَصِيبٌ : كَثِيرُ الْخَيْرِ (تاج العروس: ج ۱ ص ۴۶۴ «خصب»).

۱۱- .. تحف العقول: ص ۳۲۰، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۲۳۴ ح ۴۴.

ص: ۲۳

امام علی علیه السلام : خداوند سبحان ، آدم را در سرایی جای داد که در آن سرا ، زندگی اش را پُر از ناز و نعمت ، و محیطش را برخوردار از امتیت قرار داد .

امام علی علیه السلام : نعمتی خوش تر از امتیت نیست .

امام علی علیه السلام : آسوده بخواب [که در این صورت] ، در بهترین بستر خواهی بود .

امام علی علیه السلام : هر شادمانی ای نیاز به امتیت [و آرامش] دارد .

امام علی علیه السلام : آسایش زندگی ، در [گرو] امتیت است .

امام صادق علیه السلام : نعمت دنیا ، امتیت و تن درستی است ، و کامل شدن نعمت در آخرت ، رفتن به بهشت است . تا زمانی که بنده وارد بهشت نشود ، هرگز نعمت را کامل به دست نیاورده است .

امام صادق علیه السلام : سه چیز است که همه مردم به آنها نیازمندند : امتیت ، دادگری ، و فراوانی .

ص: ۲۴

۱ / ۲۲ دَمَّ عَيْدَمَ الْأَمِيرِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ ، وَلَا فِي الْمَنْظَرِ إِلَّا مَعَ الْمَخْبِرِ ... وَلَا فِي الْحَيَاةِ إِلَّا مَعَ الصَّحَّةِ ، وَلَا فِي الْوَطَنِ إِلَّا مَعَ الْأَمْنِ وَالسُّرُورِ . (۱)

الإمام على عليه السلام : شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ وَلَا خِصْبَ . (۲)

عنه عليه السلام : شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقُطَّانُ (۳) . (۴)

عنه عليه السلام : الْخَائِفُ لَا عَيْشَ لَهُ . (۵)

الخصال عن أبي خالد السجستاني عن الإمام الصادق عليه السلام : خَمْسُ خِصَالٍ مَن فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ ، زَائِلَ الْعَقْلِ ، مَشْغُولَ الْقَلْبِ ؛ فَأَوْلُهَا: صِحَّةُ الْيَدَيْنِ ، وَالثَّانِيَةُ: الْأَمْنُ ، وَالثَّلَاثَةُ: السَّعَةُ فِي الرَّزْقِ ، وَالرَّابِعَةُ: الْأَنْيَسُ الْمُوْفِقُ . قُلْتُ : وَمَا الْأَنْيَسُ الْمُوْفِقُ ؟ قَالَ : الرَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ ، وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ ، وَالْخَلِيطُ الصَّالِحُ . وَالخَامِسَةُ وَهِيَ تَجَمُّعُ هَذِهِ الْخِصَالِ : الدَّعَةُ (۶) . (۷)

راجع : ص ۵۸ (أخطر آفات الأمن / الكفران) .

۱- .. كتاب من لا- يحضره الفقيه : ج ۴ ص ۳۶۹ ح ۵۷۶۲ عن حماد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج ۲ ص ۳۳۳ ح ۲۶۵۶ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الاختصاص : ص ۲۴۳ عن الإمام على عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ۷۷ ص ۵۸ ح ۳ .

۲- .. غرر الحكم : ج ۴ ص ۱۶۵ ح ۵۶۸۴ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۲۹۴ ح ۵۲۵۳ .

۳- .. قَطَنَ بِالْمَكَانِ: أَقَامَ بِهِ وَتَوَطَّنَهُ فَهُوَ قَاطِنٌ، وَالْجَمْعُ قُطَّانٌ (مجمع البحرين: ج ۳ ص ۱۴۹۷ «قطن»).

۴- .. غرر الحكم : ج ۴ ص ۱۷۱ ح ۵۷۱۲ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۲۹۵ ح ۵۲۷۹ .

۵- .. غرر الحكم : ج ۱ ص ۲۵۱ ح ۱۰۱۱ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۳۰ ح ۴۵۳ .

۶- .. قال العلامة المجلسي قدس سره : الدَّعَةُ : السُّكُونُ وَقَلَّةُ الْأَشْغَالِ ، قَالَ فِي النِّهَايَةِ: وَدُعٌ بِالضَّمِّ وَدَاعُهُ وَدَعُهُ : أَي سَكَنَ وَتَرَفَّهُ ، وَفِي الصَّحَاحِ: الدَّعَةُ: الْخَفْضُ ، وَالْهَاءُ عَوْضٌ مِنَ الْوَاوِ ، تَقُولُ مِنْهُ: وَدَعُ الرَّجُلُ فَهُوَ وَدِيعٌ ؛ أَي سَاكِنٌ ، وَرَجُلٌ مُتَدَعٌ : أَي صَاحِبٌ دَعَهُ وَرَاحَهُ ، وَالْمَوَادِعُ: الْمَصَالِحُ ، انْتَهَى . وَيَحْتَمَلُ أَنْ يَكُونَ الْمُرَادُ عَدَمُ الْمَنَازَعَةِ وَالْمَخَاصِمِ (بحار الأنوار : ج ۸۱ ص ۱۷۱) .

۷- .. الخصال: ص ۲۸۴ ح ۳۴ ، بحار الأنوار: ج ۸۱ ص ۱۷۱ ح ۴ .

ص: ۲۵

۱ / ۲ نکوهش نبود امنیت

۱ / ۲ نکوهش نبود امنیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در گفتار بی کردار، و دیدن بی آزمودن ... و زندگی بدون سلامت، و وطن بدون امنیت و شادمانی، خیری نیست.

امام علی علیه السلام: بدترین شهرها، شهری است که در آن، امنیت و فراوانی نباشد.

امام علی علیه السلام: بدترین وطن‌ها، وطنی است که ساکنانش در آن، امنیت نداشته باشند.

امام علی علیه السلام: کسی که در ترس و وحشت به سر می‌برد، زندگی ندارد.

الخصال به نقل از ابو خالد سجستانی: امام صادق علیه السلام فرمود: «پنج چیز است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد، پیوسته، زندگی اش ناقص، خردش از کار افتاده، و دلش مشغول [و گرفتار] است: اول تن درستی، دوم امنیت، سوم گشایش در روزی، چهارم یار سازگار». گفتم: یار سازگار چیست؟ فرمود: «همسر شایسته، و فرزند شایسته، و همنشین شایسته». [سپس ادامه داد:] «و پنجم که جامع این چیزهاست آسایش [و رفاه] است». ر. ک: ص ۵۹ (خطرناک ترین آسیب های امنیت / ناسپاسی).

ص: ۲۶

۱ / ۳ مسؤولیه الولاه فی أمن البلاد مسند ابن حنبل عن عمرو بن عبسه السلمی : رَغِبْتُ عَنِ آلِهِ قَوْمِي فِي الْجَاهِلِيَّةِ ... حَتَّى دَخَلْتُ عَلَيْهِ [أَيْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ : مَا أَنْتَ؟ فَقَالَ : نَبِيٌّ ، فَقُلْتُ : وَمَا النَّبِيُّ؟ فَقَالَ : رَسُولُ اللَّهِ ، فَقُلْتُ : وَمَنْ أَرْسَلَكَ؟ قَالَ : اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ، قُلْتُ : بِمَاذَا أَرْسَلَكَ؟ فَقَالَ : بِأَنْ تُوَصَّلَ الْأَرْحَامُ ، وَتُحَقَّنَ الدَّمَاءُ ، وَتُؤَمَّنَ السُّبُلُ ، وَتُكْسَرَ الْأَوْثَانُ ، وَيُعْبَدَ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا يُشْرَكُ بِهِ شَيْءٌ . (۱)

۱- .. مسند ابن حنبل: ج ۶ ص ۵۳ ح ۱۷۰۱۳، مسند الشاميين: ج ۲ ص ۳۰ ح ۸۶۳، تاريخ دمشق: ج ۴۶ ص ۲۶۲.

۱ / ۳ مسئولیت فرمان روایان در امنیت کشور

۱ / ۳ مسئولیت فرمان روایان در امنیت کشور مسند ابن حنبل به نقل از عمرو بن عبسہ سلمی : در جاهلیت ، از خدایان قوم خود ، روی گرداندم ... تا آن گاه که خدمت پیامبر خدا رسیدم و سلام کردم و گفتم : تو کیستی ؟ فرمود : «پیامبر [هستم]» . گفتم : پیامبر چیست ؟ فرمود : «فرستاده خدا» . گفتم : چه کسی تو را فرستاده است ؟ فرمود : «خداوند» . گفتم : برای چه فرستاده است ؟ فرمود : «برای پیوند خویشاوندان ، حفظ خون ها ، امنیت راه ها ، شکستن بت ها ، و پرستش خدای یگانه و بی انباز» .

ص: ۲۸

الإمام على عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمْتَهُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي شَيْطَانٍ، وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الحُطَامِ، وَلَكِنْ لِنُزْدِ المَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، وَنُظْهِرَ الإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنَ المَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَتُقَامَ المَعَطَّلَةُ مِنْ حُدُودِكَ. (۱)

عنه عليه السلام: لَا يُبَدِّدُ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ المُؤْمِنُ، وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الكَافِرُ، وَيُبَلِّغُ اللهُ فِيهَا الأَجَلَ، وَيُجْمَعُ بِهِ الفَيءُ، وَيُقَاتَلُ بِهِ العَدُوُّ، وَتَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ. (۲)

المزار من زيارته يُزارُ بِهَا أميرُ المُؤْمِنِينَ عليه السلام في لَيْلَةِ سَبْعٍ وَعِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ: ... وَبَدَّلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَفْسَهُ فِي مَرَضِهِ رَسُولَكَ ... وَحِينَ وَجَدَ أَنْصَارًا نَهَضَ مُسْتَقِلًّا بِأَعْبَاءِ الخِلَافَةِ، مُضْطَلِعًا بِأَثْقَالِ الإِمَامَةِ، فَنَصَبَ رَايَةَ الهُدَى فِي عِبَادِكَ، وَنَشَرَ ثَوْبَ الأَمَنِ فِي بِلَادِكَ، وَبَسَطَ العَدْلَ فِي بَرِّيَّتِكَ. (۳)

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعَائِهِ لِأَهْلِ الثُّغُورِ: فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَقَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ، فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوُّكَ بِالقَتْلِ، وَبَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الأَسْرَ، وَبَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافُ المُسْلِمِينَ، وَبَعْدَ أَنْ يُؤَلِّيَ عَدُوُّكَ مُدْبِرِينَ. (۴)

۱- .. نهج البلاغه: الخطبه ۱۳۱، تحف العقول: ص ۲۳۹ عن الإمام الحسين عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ۳۴ ص ۱۱۱ ح ۹۴۹؛ تذكره الخواص: ص ۱۲۰ عن عبدالله بن صالح العجلي.

۲- .. نهج البلاغه: الخطبه ۴۰، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۳۵۸ ح ۷۲؛ شعب الإيمان: ج ۶ ص ۶۵ ح ۷۵۰۸ عن ليث، المصنّف لابن أبي شيبه: ج ۸ ص ۷۴۱ ح ۵۱ عن أبي البختری من دون إسناد إلى أحد أهل البيت عليهم السلام وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج ۵ ص ۷۵۱ ح ۱۴۲۸۶ وراجع: السنن الكبرى: ج ۸ ص ۳۱۹ ح ۱۶۷۶۴.

۳- .. المزار: ص ۱۰۶، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۳۸۰ ح ۱۰.

۴- .. الصحيفه السجادية: ص ۱۱۵ الدعاء ۲۷.

ص: ۲۹

امام علی علیه السلام: بار خدایا! تو می دانی که آنچه از ما سر زد، از سر قدرت طلبی، یا به دست آوردن چیزی از حطام بی ارزش دنیا نبود؛ بلکه برای این بود که نشانه های دینت را بازگردانیم و در شهرهایت، آبادانی پدیدار سازیم تا بندگان ستم دیده ات در امتیت باشند و احکام بر زمین مانده ات بر پا شوند.

امام علی علیه السلام: مردم را ناگزیر فرمانروایی باید، نیک یا بد؛ تا در [سایه] فرمان روایی او مؤمن، کار خویش (طاعت خدا) کند و کافر، بهره خویش ببرد، و خداوند، هر کس را به اجل مقدرش برساند، و به وسیله او مالیات ها جمع آوری گردد و با دشمن، جنگ شود و راه ها امن گردند.

المزار از زیارتی که با آن امیر مؤمنان در شب بیست و هفتم رجب، زیارت می شود: و در راه خشنودی پیامبرت، جان فشانی کرد ... و آن گاه که یارانی یافت، مسئولیت های خلافت را برعهده گرفت و بارهای سنگین پیشوایی را به دوش کشید و پرچم راهبری را در میان بندگان برافراشت و بساط امتیت را در شهرهایت افکند، و عدل را در میان آفریدگانت گسترانید.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان برای مزداران: اگر زندگی اش را به نیک بختی پایان دادی و شهادت را بر او مقدر فرمودی، این [شهادتش] پس از آن باشد که دشمنت را به گشتار از بیخ و بُن برکند، و پس از آن که دشمنانت به رنج اسارت در بیفتند، و پس از آن که مرزهای مسلمانان، امتیت یابد، و پس از آن که دشمنت پشت کرده، بگریزد.

ص: ۳۰

الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ الإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ ، وَنِظَامُ المُسْلِمِينَ ، وَصَلَاحُ الدُّنْيَا ، وَعِزُّ المُؤْمِنِينَ . إِنَّ الإِمَامَةَ أَسُّ (۱) الإِسْلَامِ النَّامِي ، وَفَرَعُهُ السَّامِي . بِالإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّيَامِ وَالْحَجِّ وَالجِهَادِ ، وَتَوْفِيرُ الفِئَةِ (۲) وَالصَّدَقَاتِ ، وَإِمضَاءُ الحُدُودِ وَالأَحْكَامِ ، وَمَنْعُ الثُّغُورِ (۳) وَالأَطْرَافِ . (۴)

۱ / ۴ دورُ الدُّعَاءِ فِي الأَمْنِ الكِتَابِ « وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَاليَوْمِ الآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَ بَشَسِ الْمَاصِرِ » . (۵)

۱- .. الأُسُّ: أصلُ البِنَاءِ (مجمع البحرين: ج ۱ ص ۴۷ «أسس»).

۲- .. الفِئَةُ: هو ما حصل للمسلمين من أموال الكفار من غير حرب ولا جهاد (النهاية: ج ۳ ص ۴۸۲ «فياً»).

۳- .. الثُّغُورُ: موضع المخافة الذي يُخَافُ منه هجوم العدو، والجمع: ثغور (مجمع البحرين: ج ۱ ص ۲۴۲ «ثغر»).

۴- .. الكافي: ج ۱ ص ۲۰۰ ح ۱، كمال الدين: ص ۶۷۷ ح ۳۱، معاني الأخبار: ص ۹۷ ح ۲، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ۱ ص ۲۱۸ ح ۱ كَلَّهَا عَنْ عَبْدِ العَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ ، بِحَارِ الأَنْوَارِ : ج ۲۵ ص ۱۲۲ ح ۴ .

۵- .. البقرة: ۱۲۶.

ص: ۳۱

۱ / ۴ نقش دعا در امنیت

امام رضا علیه السلام: امامت، زمام دین است، و رشته (۱) مسلمانان، و مایه آبادانی دنیا، و اقتدار مؤمنان. امامت، ریشه بالنده اسلام و شاخه بلند آن است. با امامت، نماز و زکات و روزه و حج و جهاد، کامل می شوند، و درآمدهای مسلمانان و زکات، جمع آوری می شود، و حدود و احکام، اجرا می شوند، و مرزها و سرحدات، نگهداری می شوند.

۱ / ۴ نقش دعا در امنیت قرآن «و آن گاه که ابراهیم گفت: «پروردگارا، این جا را شهری امن، قرار ده و مردمش را هر کس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد از میوه ها روزی بخش»، [خدا] فرمود: «ولی هر کس کفر بورزد، اندکی برخوردارش می کنم. سپس، او را با خواری به سوی عذاب آتش می کشانم؛ و چه بدسرانجامی است!».

۱- «نظام» که در متن حدیث آمده، نخ یا رشته ای را گویند که با آن، دانه های مروارید و تسبیح و مانند آن را به رشته کشند؛ شیرازه.

ص: ٣٢

« وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ». (١)

الحدیث رسول الله صلی الله علیه و آله من دُعائه عَقِيبَ صَلَاةِ الظُّهْرِ: اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا سِقْمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا خَوْفًا إِلَّا آمَنْتَهُ. (٢)

سنن الدارمی عن ابن عمر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَأَى الْهَلَالَ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، وَالتَّوْفِيقِ لِمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَيَرْضَى، رَبُّنَا وَرَبُّكَ اللَّهُ. (٣)

الإمام علي عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَأَى الْهَلَالَ... قَالَ: اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْإِحْسَانِ. (٤)

١- .. إبراهيم: ٣٥.

٢- .. فلاح السائل: ص ٣١٠ ح ٢١٠ عن عبدالله بن محمد التميمي عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، مصباح المتهجد: ص ٧٦ ح ١٢٤، المصباح للكفعمي: ص ٥٣ كلاهما عن معاوية بن عمارة نحوه من دون إسناد إلى أحد أهل البيت عليهم السلام، المزار للمفيد: ص ١٢٣، المزار الكبير: ص ١٧٩ كلاهما من دون إسناد إلى أحد أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٦٣ ح ٢.

٣- .. سنن الدارمی: ج ١ ص ٤٢٨ ح ١٦٣٩، صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ١٧١ ح ٨٨٨، المعجم الكبير: ج ١٢ ص ٢٧٣ ح ١٣٣٣٠، كنز العمال: ج ٧ ص ٧٨ ح ١٨٠٤٥.

٤- .. عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٧١ ح ٣٢٩ عن دارم بن قبيصة عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، الأمالي للطوسي: ص ٤٩٥ ح ١٠٨٤ عن عمر بن علي عن أبيه الإمام زين العابدين عليه السلام عن محمد بن الحنفية، مصباح المتهجد: ص ٥٤٠ ح ٦٢٥ من دون إسناد إلى أحد أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج ١ ص ٦٢ عن محمد بن الحنفية، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٣٤٣ ح ١.

ص: ۳۳

«و آن گاه که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این شهر را امن قرار ده و من و فرزندانم را از این که بت‌ها را پرستیم، دور بدار».

حدیثی‌امبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان در تعقیبات نماز ظهر: بار خدایا! هر گناهی دارم، بیامرز، هر نگرانی و اندوهی دارم، بزدای، هر بیماری ای دارم، بهبود بخش، هر عیبی دارم، بپوشان، و روزی ام را گشایش ده، و ترس مرا به امتیّت بدل فرما

سنن الدارمی به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، هر گاه ماه نو را می دید، می گفت: «بزرگ تر است خدا. بار خدایا! این را با امتیّت و ایمان، و سلامت و اسلام، و توفیق به آنچه تو ای پروردگار ما دوست داری و می پسندی، برای ما نو گردان. پروردگار ما و تو [ای ماه!] خداست».

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه هلال ماه را می دید ... می گفت: «بار خدایا! در این ماه، ما را از امتیّت و ایمان، و سلامت و اسلام و نیکوکاری برخوردار گردان».

ص: ۳۴

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي الْيَوْمِ السَّادِسِ مِنَ الشَّهْرِ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آمَنَ رَوْعَنَا (۱). (۲)

عنه عليه السلام أَيْضًا : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آمَنَّا ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَبَتَ (۳) عَدُوَّنَا . (۴)

الإمام زين العابدين عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ بِالْعَافِيَةِ : وَآمَنُ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ وَالْأَمْنِ . (۵)

عنه عليه السلام فِي دُعَائِهِ : اللَّهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ ، وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ . (۶)

عنه عليه السلام : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَبْدَلْنِي ... مِنْ مَرَارِهِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ . (۷)

۱- .. الرَّوْعُ : الْفَزَعُ (النهاية: ج ۲ ص ۲۷۶ «روع»).

۲- .. الدروع الواقية: ص ۱۸۵، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۱۹۳ ح ۳.

۳- .. كبت الله عدونا: أي أذله وصرفه (النهاية: ج ۴ ص ۱۳۸ «كبت»).

۴- .. الدروع الواقية: ص ۱۸۵، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۱۹۳ ح ۳.

۵- .. الصحيفة السجادية: ص ۹۷ الدعاء ۲۳.

۶- .. مصباح المتهجد: ص ۵۹۵ ح ۶۹۱، الإقبال: ج ۱ ص ۱۷۱ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۹۱ ح ۲.

۷- .. الصحيفة السجادية: ص ۸۲ الدعاء ۲۰.

ص: ۳۵

امام علی علیه السلام از دعای ایشان در روز ششم ماه: ستایش، خدایی را که ترس ما را به امتیّت [و آرامش]، مبدّل ساخت.

امام علی علیه السلام از دعای ایشان در روز ششم ماه: ستایش، خدایی را که ما را در امتیّت [و آرامش] قرار داد. ستایش، خدایی را که دشمن ما را سرکوب کرد.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان برای عافیت: و مرا از [نعمت] تن درستی و امتیّت برخوردار فرما!

امام زین العابدین علیه السلام در دعای ایشان: بار خدایا! گشایش در روزی، و امتیّت در وطن را عطایم فرما.

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست، و به جای ... تلخی ترس از ستمگران، شیرینی امتیّت، عطایم کن.

ص: ٣٦

عنه عليه السلام: إلهي ومولاي وغايه رجائي، أشرفت من عرشك على أرضيك وملائكتك وسكان سماواتك، وقد انقطعت الأصوات، وسكنت الحركات، والأحياء في المضاجع كالأموات، فوجدت عبادك في شتى الحالات: فمنه خائف لجأ إليك فآمنته. (١)

الإمام الرضا عليه السلام في الدعاء: يا من دلني على نفسي، ودل قلبي بتصديقه، أسألك الأمن والإيمان في الدنيا والآخرة. (٢)

الإمام الهادي عليه السلام في قنوته: يا من دعا المضطرون فجابهم، ولجأ إليه الخائفون فآمنهم، وعبد الطائعون فشكرهم، وحمد الشاكرون فآتابهم. (٣)

الإمام المهدي عليه السلام في الدعاء: يا آمناً من كل شيء، وكل شيء منك خائف حذر، أسألك بأمنك من كل شيء، وخوف كل شيء منك، أن تصلني على محمد وآل محمد، وأن تعطيني أماناً لنفسي وأهلي وولدي وسائر ما أنعمت به علي، حتى لا أخاف أحداً، ولا أحذر من شيء أبداً، إنك على كل شيء قدير، وحسبنا الله ونعم الوكيل. (٤)

١-.. بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٣٠ ح ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

٢-.. الكافي: ج ٢ ص ٥٧٩ ح ٩ عن إبراهيم بن أبي البلاد عن عمه .

٣-.. مهج الدعوات: ص ٨٣، مصباح المتهجد: ص ٥١٦ ح ٥٩٨ من دون إسناد إلى أحد أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٢٧ ح ١ .

٤-.. مهج الدعوات: ص ٣٥٢ عن أبي عبد الله الحسين بن محمد البزوفري، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٣٦ ح ٢٣٤٦ عن الحسين بن محمد البزوفري من دون إسناد إلى أحد أهل البيت عليهم السلام، المصباح للكفعمي: ص ٥٢٢، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٢٤ ح ٣٠ .

ص: ۳۷

امام زین العابدین علیه السلام: معبودا و سرورا و ای فرجامین امید من! تو از فرازِ عرش بر زمین هایت و فرشتگان و باشندگان در آسمان هایت درخشیدی، و آواها بُریده شد، و جنبش‌ها آرام گرفت، و زندگان در بسترها، چونان مُردگان شدند، و تو بندگانت را در حالات گونه‌گون یافتی: از آنهاست ترسانی که به تو پناه آورده و تو او را آرامش و امتیّت بخشیدی.

امام رضا علیه السلام در دعا: ای کسی که مرا به خودت ره نمون شدی و دلم را به تصدیقت رام ساختی، امتیّت و ایمان را در دنیا و آخرت، از تو درخواست می‌کنم.

امام هادی علیه السلام در قنوتش: ای آن که درماندگان او را خواندند و پاسخشان داد، و بیمناکان به او پناه بردند و آسوده خاطرشان کرد، و فرمان‌برداران بندگی اش کردند و [از عبادت آنان] سپاس‌گزاری نمود، و سپاس‌گزاران او را ستودند و پاداششان داد.

امام مهدی علیه السلام در دعا: ای ایمن از هر چیز، و هر چیز از تو بیمناک! به ایمنی ات از هر چیز و بیمناکی هر چیز از تو، از تو درخواست می‌کنم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی، و به خودم و زن و فرزندم و دیگر نعمت‌هایی که ارزانی ام داشته‌ای، امتیّت بخشی، چندان که هرگز از کسی نترسم و از چیزی بیمناک نباشم، که به راستی تو بر هر چیزی توانایی؛ و خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است او.

ص: ۳۸

۱ / ۵ البَلَدُ الْمِثَالِيُّ فِي الْأَمْنَالِكِتَابِ « وَ هَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ » . (۱)

« وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا » . (۲)

« فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا » . (۳)

« أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَ يَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ » . (۴)

الحديث رسول الله صلى الله عليه و آله : مَنْ قَتَلَ قَتِيلًا وَ أَذْنَبَ ذَنْبًا ثُمَّ لَجَأَ إِلَى الْحَرَمِ فَقَدَ آمِنَ ، لَا يُقَادُ فِيهِ مَا دَامَ فِي الْحَرَمِ ، وَلَا يُؤْخَذُ وَلَا يُؤْذَى وَلَا يُؤْوَى وَلَا يُطْعَمُ وَلَا يُسْقَى وَلَا يُبَاعِعُ وَلَا يُضِيفُ وَلَا يُضَافُ . (۵)

عنه صلى الله عليه و آله : أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ أَحْدَثَ فِي الْإِسْلَامِ حَدَثًا ، يَعْنِي يُحْدِثُ فِي الْحِلِّ فَيَلْبِغُ إِلَى الْحَرَمِ فَلَا يُؤْوِيهِ أَحَدٌ ، وَلَا يَنْصُرُهُ ، وَلَا يُضِيفُهُ ، حَتَّى يَخْرُجَ إِلَى الْحِلِّ فَيُقَامَ عَلَيْهِ الْحَدُّ . (۶)

۱- .. التين: ۳.

۲- .. البقره: ۱۲۵.

۳- .. آل عمران: ۹۷ .

۴- .. العنكبوت: ۶۷ .

۵- .الجعفریات : ص ۷۱ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل : ج ۹ ص ۳۳۲ ح ۱۱۰۲۵ .

۶- .الجعفریات : ص ۷۱ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل : ج ۹ ص ۳۳۲ ح ۱۱۰۲۶ .

ص: ۳۹

۱ / ۵ شهر نمونه در امنیت

۱ / ۵ شهر نمونه در امنیتقرآن «و سو گند به این شهر امن» .

«و چون خانه [ی کعبه] را برای مردم ، محلّ اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم» .

«در آن ، نشانه هایی روشن است . [از جمله] مقام ابراهیم است ، و هر که در آن درآید ، در امان است» .

«آیا ندیده اند که ما [برای آنان] حرمی امن قرار دادیم ، و حال آن که مردم از حواشی آن ، رُبوده می شوند؟ آیا به باطل ، ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس مرتکب قتلی شود و دست به گناهی بزند ، سپس به حرم [امن الهی] پناه ببرد ، در امان است و تا زمانی که در حرم است ، نه باید او را قصاص کرد ، نه دستگیر کرد ، نه آزارش داد ، نه پناهش داد ، نه آب و غذایش داد ، نه با او داد و ستد کرد ، نه میهمانش شد و نه میهمانش کرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : لعنت خدا و فرشتگان و مردم ، همگی ، بر کسی باد که در اسلام ، حادثه آفرینی کند ؛ یعنی در غیر حرم ، دست به حادثه ای (قتلی) بزند و به حرم (مکّه) پناه ببرد ! چنین شخصی را هیچ کس حق ندارد جا و پناه دهد ، یاری اش رساند و میهمانش کند تا آن که به خارج حرم برود و حد بر او جاری گردد .

ص: ۴۰

عنه صلى الله عليه و آله : الْحَرَمُ لَا يُخْتَلَى خَلَاؤُهُ ، وَلَا يُعْصَدُ شَجَرُهُ وَلَا شَوْكُهُ ، وَلَا يُنْفَرُ صَيْدُهُ ... فَمَنْ أَصْبَتُمُوهُ اخْتَلَى أَوْ عَصَدَ الشَّجَرَ أَوْ نَفَرَ الصَّيْدَ فَقَدْ حَلَّ لَكُمْ سُبُّهُ وَأَنْ تُوجِعُوهُ ظَهْرَهُ بِمَا اسْتَحَلَّ فِي الْحَرَمِ . (۱)

الإمام الصادق عليه السلام : كُلُّ شَيْءٍ يَثْبُتُ فِي الْحَرَمِ فَهُوَ حَرَامٌ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ ، إِلَّا مَا أَنْبَتَهُ أَنْتَ وَغَرَسْتَهُ . (۲)

الكافي عن عبدالله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : « وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا » ، الْبَيْتَ عَنِي أَمْ الْحَرَمَ ؟ قَالَ : مَنْ دَخَلَ الْحَرَمَ مِنَ النَّاسِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فَهُوَ آمِنٌ مِنْ سَيِّحِطِ اللَّهِ ، وَمَنْ دَخَلَهُ مِنَ الْوَحْشِ وَالطَّيْرِ كَانَ آمِنًا مِنْ أَنْ يُهَاجَ أَوْ يُؤْذَى حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ . (۳)

۱- الجعفریات : ص ۷۱ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ج ۱ ص ۳۱۰ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه .

۲- تهذيب الأحكام : ج ۵ ص ۳۸۰ ح ۱۳۲۵ ، الكافي : ج ۴ ص ۲۳۱ ح ۲ وليس فيه ذيله ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۲ ص ۲۵۴ ح ۲۳۴۲ كلها عن حريز ، وسائل الشيعة : ج ۹ ص ۱۷۵ ح ۱۷۰۷۹ .

۳- .. الكافي : ج ۴ ص ۲۲۶ ح ۱ ، تهذيب الأحكام : ج ۵ ص ۴۴۹ ح ۱۵۶۶ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۲ ص ۲۵۱ ح ۲۳۲۷ ، مجمع البيان : ج ۱ ص ۳۸۷ ، عوالي اللآلی : ج ۲ ص ۹۵ ح ۲۵۵ وليس فيهما صدره ، وسائل الشيعة : ج ۹ ص ۳۳۵ ح ۱۷۶۰۴ .

ص: ۴۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حرم را ، گیاهش [خشک یا تر] را نباید چید ، درخت و خارش را نباید قطع کرد ، صیدش را نباید رم داد ... پس اگر کسی را دیدید که گیاهی را چید یا درختی را قطع کرد یا صیدی را رم داد ، بر شما رواست که به سبب روا شماری اش در حرم ، به او ناسزا بگویید و پشتش را دردمند سازید .

امام صادق علیه السلام : هر چیزی که در حرم می روید ، بر همه مردم حرام است ، بجز آنچه [از گیاه و درخت] خودت کاشته ای و نشانده ای .

الکافی به نقل از عبد الله بن سنان : از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل : «و هر که بدان وارد شود در امان است» پرسیدم که: آیا مقصود ، خانه [ی کعبه] است یا حرم؟ فرمود : «هر انسانی که به حرم درآید و به آن پناهنده شود ، از خشم خدا در امان است ، و هر حیوان وحشی و پرنده ای که به آن درآید ، در امان است و نباید آن را رم داد یا اذیت کرد تا از حرم ، خارج شود» .

ص: ۴۲

عنه عليه السلام عندما سُئِلَ عَنْ طَائِرٍ أَهْلِيٍّ أُدْخِلَ الْحَرَمَ حَيًّا: لَا يُمَسُّ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «مَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا». (۱)

عنه عليه السلام عندما سُئِلَ عَنْ ظَبْيٍ دَخَلَ الْحَرَمَ: لَا يُؤْخَذُ وَلَا يُمَسُّ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «مَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا». (۲)

مصباح الشريعة فيما نَسَبَهُ إِلَى الْإِمَامِ الصِّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ دَخَلَ الْحَرَمَ أَمِنَ مِنَ الْخَلْقِ، وَمَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ أَمِنَتْ جَوَارِحُهُ أَنْ يَسْتَعْمِلَهَا فِي الْمَعْصِيَةِ، وَمَنْ دَخَلَ الْكَعْبَةَ أَمِنَ قَلْبُهُ مِنْ أَنْ يَشْغَلَهُ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ. (۳)

۱ / ۱۶ الأَمْنُ الْمُوعُودُ الْكِتَابُ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». (۴)

- ۱- تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۳۴۸ ح ۱۲۰۶، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۶۲ ح ۲۳۶۷، علل الشرائع: ص ۴۵۱ ح ۱ و ص ۴۵۴ ح ۷ كلها عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۵۲ ح ۲۴.
- ۲- تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۳۶۲ ح ۱۲۵۸ عن محمد بن مسلم، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۶۲ ح ۲۳۶۸ عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام، وسائل الشيعة: ج ۹ ص ۱۷۶ ح ۱۷۰۸۲.
- ۳- .. مصباح الشريعة: ص ۱۶، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۲۳ ح ۲۲.
- ۴- .. النور: ۵۵.

ص: ۴۳

۱ / ۶ امنیت موعود

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال از وارد شدن پرنده اهلی به حرم: نباید به آن دست زد، چرا که خداوند متعال می فرماید: «هر که بدان وارد شود، در امان است».

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤالی درباره آهویی که به حرم در آمده است: گرفته نشود و دست هم زده نشود؛ چرا که خداوند متعال فرموده است: «هر که بدان وارد شود، در امان است».

مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است: هر کس به حرم در آید، از خلق (مردم) در امان است. هر کس به مسجد [الحرام] در آید، اندام هایش از به کار گرفته شدن در معصیت، در امان اند؛ و هر کس به کعبه در آید، دلش از این که به جز یاد خدا پردازد، در امان است.

۱ / ۶ امنیت موعود قرآن «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتما آنان را در این زمین، جانشین قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من، شریک نگردانند؛ و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنان اند که فاسق اند».

ص: ٤٤

الحديث للإمام الصادق عليه السلام في معنى قوله عز وجل « وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا » : نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ . (١)

بحار الأنوار: عَنْ صَيْفَوَانَ أَنَّهُ لَمَّا طَلَبَ الْمَنْصُورُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، تَوَضَّأَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ ، وَقَالَ : اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَعِدْتَنَا عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَعَدُكَ الْحَقُّ ، إِنَّكَ تَبَدِّلُنَا مِنْ بَعْدِ خَوْفِنَا أَمْنًا ، اللَّهُمَّ فَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ . قَالَ : قُلْتُ لَهُ : يَا سَيِّدِي فَأَيْنَ وَعَدَ اللَّهُ لَكُمْ ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : « وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ » الْآيَةَ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام : يَنْتِجُ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلًا مِّنِّي وَأَنَا مِنْهُ ، يَسُوقُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، فَيُنزِلُ السَّمَاءَ قَطْرَهَا ، وَيُخْرِجُ الْأَرْضَ بَدْرَهَا ، وَتَأْمَنُ وَحُوشُهَا وَسِبَاعُهَا ، وَيُمَلِّأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا . (٣)

- ١- .. الغيبة للنعمانى : ص ٢٤٠ ح ٣٥ عن أبى بصير، تفسير القمى: ج ١ ص ١٤ من دون إسناد إلى أحد أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٥١ ص ٥٨ ح ٥٠.
- ٢- .. بحار الأنوار: ج ٥١ ص ٦٤ ح ٦٥ نقلًا عن الصفوانى فى كتابه.
- ٣- .. الغيبة للطوسى : ص ١٨٨ ح ١٤٩ عن يحيى بن العلاء الرازى، بحار الأنوار: ج ٥١ ص ١٤٦ ح ١٦.

ص: ۴۵

حدیث امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتما آنان را در این زمین، جانشین قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از ایشان بودند، جانشین قرارداد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نسازند»: این آیه، درباره قائم علیه السلام و یاران او نازل شده است.

بحار الأنوار: از صفوان روایت شده است که چون منصور در پی امام صادق علیه السلام فرستاد، ایشان وضو گرفت و دو رکعت نماز گزارد، سپس سجده شکر به جا آورد و گفت: «بار خدایا! تو از زبان پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله به ما وعده داده ای، و وعده تو راست است که بیم ما را به ایمنی مبدل می سازی. پس خداوندا آنچه را به ما وعده داده ای، تحقق بخش که تو خُلف وعده نمی کنی». من گفتم: سِروررم! کدام وعده خدا به شما؟ فرمود: «این سخن خدای عز و جل که: «خدا به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتما آنان را در این زمین، جانشین خواهد کرد...»».

امام صادق علیه السلام: خداوند متعال، در این امت، مردی را که از من است و من از او هستم، به دنیا خواهد آورد، که به واسطه او برکت های آسمان ها و زمین را به حرکت در می آورد، و آسمان، بارانش را می باراند، و زمین، تخمش را می رویاند، و ددان و درندگان آن، در امان اند، و زمین که از ستم و کج روی آکنده شده است، از دادگری و راستی پُر می شود.

ص: ٤٦

صحیح البخاری عن خباب بن الارت: شَكُونَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ مُتَوَسِّدٌ بُرْدَةً (١) لَهُ فِي ظِلِّ الْكَعْبَةِ، فَقُلْنَا: أَلَا تَسْتَنْصِرُنَا، أَلَا تَدْعُو لَنَا؟ فَقَالَ: قَدْ كَانَ مِنْ قَبْلِكُمْ يُؤَخِّدُ الرَّجُلَ فَيَحْفَرُ لَهُ فِي الْأَرْضِ، فَيَجْعَلُ فِيهَا، فَيَجَاءُ بِالْمِنْشَارِ فَيَوْضَعُ عَلَى رَأْسِهِ فَيَجْعَلُ نِصْفَيْنِ، وَيُمَشِّطُ بِأَمْشَاطِ الْحَدِيدِ مَا دُونَ لَحْمِهِ وَعَظْمِهِ، فَمَا يَصُدُّهُ ذَلِكَ عَنْ دِينِهِ، وَاللَّهِ لَيَتَمَنَّ هَذَا الْأَمْرُ، حَتَّى يَسِيرَ الرَّازِكُ مِنْ صَنْعَاءَ إِلَى حَضْرَمَوْتَ لَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهَ، وَالذُّنْبَ عَلَى غَنَمِهِ، وَلَكِنَّكُمْ تَسْتَعْجِلُونَ. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: يَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ إِمَامًا عَادِلًا، وَحَكَمًا مُقْسِطًا، فَيَكْسِرُ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلُ الْخَنْزِيرَ، وَيُرْجِعُ السَّلْمَ، وَيَتَّخِذُ السُّيُوفَ مَنَاجِلَ، وَتَذْهَبُ حُمَهُ كُلُّ ذَاتِ حُمَةٍ (٣)، وَتُنزَلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا، حَتَّى يَلْعَبَ الصَّبِيُّ بِالثُّعْبَانِ فَلَا يَضُرُّهُ، وَيُرَاعَى الْغَنَمُ الذُّنْبَ فَلَا يَضُرُّهَا، وَيُرَاعَى الْأَسَدُ الْبَقَرَ فَلَا يَضُرُّهَا. (٤)

١-.. الثُّرْدَةُ: كِسَاءٌ يُلْتَحَفُ بِهِ. قَالَ الْأَزْهَرِيُّ: وَجَمَعَهَا بُرْدٌ، وَهِيَ الشَّمْلَةُ الْمُخَطَّطَةُ. (لسان العرب: ج ٣ ص ٨٧ «برد»).

٢-.. صحیح البخاری: ج ٦ ص ٢٥٤٦ ح ٦٥٤٤، سنن أبي داود: ج ٣ ص ٤٧ ح ٢٦٤٩، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٣٤٧ ح ٢٧٢٨٦، صحیح ابن حبان: ج ١٥ ص ٩١ ح ٦٦٩٨، كنز العمال: ج ١ ص ٢٦٣ ح ١٣٢٠؛ إعلام الوری: ج ١ ص ١٢١ نحوه، بحار الأنوار: ج ١٨ ص ٢١٠ ح ٣٨.

٣-.. الْحُمَةُ: سَمٌّ كُلُّ شَيْءٍ يَلْدَغُ أَوْ يَلْسَعُ (المصباح المنير: ص ١٥٤ «حمى»).

٤-.. مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٥٣٠ ح ١٠٢٦٥، تاريخ دمشق: ج ٤٧ ص ٤٩٦ ح ١٠٣١٢ كلاهما عن أبي هريره وراجع: المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ٦٥٤ ح ٤٣ وتفسير القرطبي: ج ١٦ ص ١٠٦.

ص: ۴۷

صحیح البخاری به نقل از خَبَاب بن اَرْت: به پیامبر خدا که در سایه کعبه، سر بر بُرده خویش کرده بود، شکایت کردیم و گفتیم: برایمان [از خداوند] یاری نمی طلبی؟ برایمان دعا نمی کنی؟ فرمود: «در گذشته، فرد را می گرفتند و چاله ای می کَنَدند و او را در آن، قرار می دادند و اَرّه ای می آوردند و روی سرش می گذاشتند و شَقّه اش می کردند، با شانه های آهنی، گوشت او را از استخوانش جدا می کردند؛ اما هیچ یک از این کارها او را از دینش بر نمی گردانند. به خدا سوگند که این امر (دین اسلام) همه جا را فرا می گیرد تا جایی که سوار از صفا تا خَضْرَموت را می پیماید و جز از خدا نمی ترسد و بیم حمله گرگ به گوسفندان را ندارد (در امتیاز کامل، سفر می کند)، اما شما عجله می کنید».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیسی بن مریم علیهما السلام چونان پیشوایی عادل و فرمان روایی دادگستر فرود می آید، و صلیب ها را می شکند، و خوک ها را می کشد، و صلح [و آرامش] را باز می گرداند، و شمشیرها را تبدیل به داس می کند، (۱) و زهر هر زهرداری از بین می رود. آسمان، روزی خود را فرو می ریزد، و زمین، برکت هایش را بیرون می دهد، تا جایی که کودک، با مار بازی کند و به او آسیبی نمی زند و گرگ، گوسفند را می چراند و به آن، گزندی نمی رساند و شیر، گاو را می چراند و به آن، صدمه ای نمی زند.

۱- یعنی مردم به جای جنگ و کشتار به کشاورزی و کار و تلاش رو می آورند.

ص: ٤٨

الإمام علی علیه السلام : لَوْ قَدِ قَامَ قَائِمُنَا ، لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا ، وَلَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا ، وَلَمَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ (١) مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ ، وَاصْطَلَحَتِ السُّبَاعُ وَالْبِهَائِمُ ، حَتَّى تَمِثِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ ، وَعَلَى رَأْسِهَا زَيْتُهَا (٢) ، لَا يَهِيْجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ (٣) .

١- .. الشَّحْنَاءُ : الْعَدَاوَةُ (النهاية: ج ٢ ص ٤٤٩ «شحن»).

٢- .. فى تحف العقول «زنبيلها» بدل «زيتها» .

٣- .. الخصال: ص ٦٢٦ ح ١٠ عن أبى بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول: ص ١١٥ ، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٠٤ ح ١ .

ص: ۴۹

امام علی علیه السلام: زمانی که قائم ما ظهور کند، آسمان، بارانش را می باراند، و زمین، گیاهش را می رویاند، و کینه‌ها از دل‌های بندگان می رود، و ددان و دام‌ها آشتی می کنند [و چنان سرسبزی و امتیت برقرار می شود] تا جایی که زن از عراق تا شام را پیاده می رود و جز بر گیاه و علف، پا نمی گذارد و زیورهایش (۱) را بر سرش دارد، و هیچ درنده‌ای او را نمی لرزاند و نمی ترساند.

۱- در تحف العقول، به جای «زیورهایش»، «زنبیلش» آمده است.

الفصل الثانى: أخطر آفات الأمان ٢ / الفرقها الكتاب «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِّنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شَيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ .» (١)

الحدیثا لإمام علی علیه السلام : اِحذروا ما نزل بالأمم قبلکم من المثلات (٢) بسوء الأفعال وذمیم الأعمال ، فتذکروا فى الخیر والشر أحوالهم ، واحذروا أن تكونوا أمثالهم . فإذا تفکرتم فى تفاوت حالهم ، فالزموا کل أمر لزم العز به شأنهم ، وزاحت الأعداء له عنهم ، ومیدت العافیه به عليهم ، وانقادت النعمه له معهم ، ووصلت الكرامه علیه حبلهم ؛ من الاجتناب للفرقه ، واللزوم للألفه ، والتحاؤ (٣) علیها والتواصى بها ، واجتنبوا کل أمر کسر فقرتهم ، وأوهن منتهم ؛ من تضاعف القلوب ، وتشاؤن (٤) الصدور ، وتدابیر النفوس ، وتخاذل الأیدی . وتدابروا أحوال الماضین من المؤمنین قبلکم ، کیف كانوا فى حال التمحیص والبلاء ، ألم يكونوا أثقل الخلائق أعباء ، وأجهد العباد بلاء ، وأضیق أهل الدنيا حالاً؟! إتخذتهم الفراعنه عبدا ، فساموهم سوء العذاب ، وجرعوهم المرار ، فلم تبرح الحال بهم فى ذل الهلكه وقهر العله ، لا يجدون حيله فى امتناع ، ولا سبيلاً إلى دفاع . حتى إذا رأى الله سبحانه جد الصبر منهم على الأذى فى محبته ، والإحتمال للمكروه من خوفه ، جعل لهم من مضایق البلاء فرجا ، فأبدلهم العز مكان الذل ، والأمن مكان الخوف ، فصاروا ملوكا حكاما ، وأئمة أعلما ، وقد بلغت الكرامه من الله لهم ما لم تذهب الآمال إليه بهم . فانظروا كيف كانوا حيث كانت الأملاء مجتمعه ، والأهواء مؤلفه ، والقلوب معتدله ، والأیدی مترادفه ، والشیوف متناصره ، والبصائر نافذه ، والعزائم واحده . ألم يكونوا أربابا فى أقطار الأرضین ، وملوكا على رقاب العالمین؟! فانظروا إلى ما صاروا إليه فى آخر أمورهم ، حين وقعت الفرقة ، وتشئت الألفه ، واختلفت الكلمه والأفئده ، وتشعبوا مختلفین ، وتفرقوا متحاربین ، قد خلع الله عنهم لباس کرامته ، وسلبهم غصارة نعمته ، وبقي قصص أخبارهم فيکم عبرا للمعتبرین . فاعتبروا بحال ولد إسماعیل وبنى إسحاق وبنى إسرائيل عليهم السلام ، فما أشد اعتدال الأحوال ، وأقرب اشتباه الأمثال! تأملوا أمرهم فى حال تشبثهم وتفوقهم ، لىالى كانت الأكاسره والقياسره أربابا لهم ، يحتازونهم (٥) عن ريف الآفاق ، وبحر العراق ، وحضره الدنيا ، إلى منابت الشیخ (٦) ، ومهافى الریح ، ونكد المعاش ، فتركوهم عاله مساکین ، إخوان دبر ووبر ، أذل الأمم دارا ، وأجدبهم قرارا ، لا یأوون إلى جناح دعوه یعصه مون بها ، ولا إلى ظل ألفه یعتمدون علی عزها . فالأحوال مضطربه ، والأیدی مختلفه ، والكثرة متفرقه ؛ فى بلاء أزل ، وأطباق جهل ، من بنات مؤوده ، وأصنام معبوده ، وأرحام مقطوعه ، وغارات مشنونه . فانظروا إلى مواقع نعم الله عليهم حين بعث إليهم رسولا ، فعقد بملته طاعتهم ، وجمع علی دعوته ألفتهم ، كيف نشرت النعمه عليهم جناح کرامتها ، وأسالت لهم جداول نعيمها ، وألقت المله بهم فى عوائد برکتها ، فأصبحوا فى نعمتها عرقین ، وفى حضره عیشها فکھین . قد تربعت الأمور بهم فى ظل سلطان قاهر ، وأوتهم الحال إلى کنف عز غالب ، وتعطف الأمور عليهم فى ذرى ملک ثابت ، فهم حکام على العالمین ، وملوک فى أطراف الأرضین ، يملكون الأمور على من كان يملكها عليهم ، ويمضون الأحكام فىمن كان يمضيها فيهم ! لا تغمز لهم قناه ، ولا تفرع لهم صفاة (٧) ! (٨)

١- .. الأنعام : ٦٥ .

٢- .. المثله: العقوبه، والجمع المثلات (الصحيح : ج ٥ ص ١٨١٦ «مثل»).

٣- .. الحض : الحث على الشىء (النهايه : ج ١ ص ٤٠٠ «حضض»).

٤- .. الشحناء : الحقد ، العدو ، (لسان العرب : ج ١٣ ص ٢٣٤ «شحن»).

- ۵- .. تَحَوَّزَ : أى تنحى (النهايه : ج ۱ ص ۴۶۰ «حوز») .
- ۶- .. الشَّيْخُ : نبت بالباديه معروف (مجمع البحرين : ج ۲ ص ۹۹۷ «شيخ») .
- ۷- .. لا تُفْرَعُ لَهُمْ صَفَاهُ : أى لا يَنَالُهُمْ أَحَدٌ بِسُوءِ (النهايه : ج ۳ ص ۴۱ «صفا») .
- ۸- .. نهج البلاغه : الخطبه ۱۹۲ ، بحار الأنوار : ج ۱۴ ص ۴۷۲ ح ۳۷ .

فصل دوم : خطرناک ترین آسیب های امنیت

۲ / ۱۱ اختلاف

فصل دوم : خطرناک ترین آسیب های امنیت ۲ / ۱۱ اختلاف فقرآن «بگو : «او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پایتان ، عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه کند [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی دیگر بچشاند». بنگر که چگونه آیات خود را گوناگون بیان می کنیم ، باشد که آنان بفهمند» .

حدیث امام علی علیه السلام : بترسید از کفرهایی که بر اثر رفتارهای زشت و کردارهای نکوهیده ، بر سر امت های پیش از شما آمد و در نیک و بد ، سرنوشت آنان را به یاد آورید ، و از این که همانند ایشان باشید ، دوری کنید ، و چون در احوال نیک و بد آنان اندیشه کردید ، پس همان کارهایی را در پیش گیرید که سبب اقتدار آنان شد و دشمنان را از ایشان دور ساخت و آسایش بر آنان سایه افکند و نعمت ها ، خود را در اختیار آنان نهادند و به برکت آن کرامت ، رشته اتحاد میانشان استوار گردید ؛ کارهایی چون : دوری از پراکندگی ، و در پیش گرفتن هم بستگی و ترغیب و سفارش کردن یکدیگر به این کار . و [در مقابل] از کارهایی که کمر آنان را شکست و قدرتش را سست کرد ، دوری کنید ؛ کارهایی چون : کنیه ورزی دل ها ، و دشمنی سینه ها و پشت کردن جان ها به یکدیگر و دست شستن از یاری هم . در سرگذشت خدا باوران پیش از خویش ، ببیندیشید که در گاه بلا [و آزمایش] ، چون بودند . آیا گران بارترین مردمان نبودند و بیش از همه بندگان ، در رنج و فشار به سر نمی بردند ، و بیش از همه جهانیان ، در تنگنا نمی زیستند؟! فرعون ها آنان را به بندگی گرفتند و بدترین شکنجه ها را به آنان چشاندند و انواع شرننگ ها را جرعه جرعه در کامشان ریختند ، و پیوسته ، خوار و مقهور بودند ، و نه چاره ای برای سر برتافتن می یافتند ، و نه راهی برای دفاع از خود . تا آن گاه که چون خداوند سبحان دید در راه دوستی او بر آزارها بس شکیبایند و از بیم او ناملازمات را تحمیل می کنند ، از آن تنگناهای بلا- [و رنج] ، گشایشی بر ایشان پدیدار ساخت و خواری آنان را به عزت ، و ترسشان را به امنیت بدل ساخت ، و پادشاهانی فرمان فرما و پیشوایانی برجسته شدند و به چنان کرامتی از جانب الهی دست یافتند که حتی آرزوی آن را هم در سر نپرورانیده بودند . پس بنگرید که چون بودند آن گاه که جمعیت ها یک پارچه بودند ، و خواسته ها [و باورها] ، یکی بود ، و دست ها ، کمک هم بودند ، و شمشیرها ، یاور یکدیگر بودند ، و بینش ها ژرف ، و اراده ها یکسان بود . آیا مهتران سراسر زمین نبودند و بر جهانیان ، شهریاری نمی کردند؟! نیز به فرجام کار آنها بنگرید آن گاه که در میانشان ، جدایی افتاد و رشته هم بستگی گسست ، و سخن ها و دل ها ناساز شد ، و به دسته های گوناگون ، تقسیم شدند و گروه گروه ، به جان یکدیگر افتادند . در این هنگام ، خداوند ، جامه گرامیداشت خود را از تن آنان برکنند و نعمت های فراوانش را از ایشان گرفت ، و داستان سرگذشت آنان در میان شما ماند تا درس عبرتی باشد برای عبرت آموزان . بنا بر این ، از سرگذشت فرزندان اسماعیل و پسران اسحاق و پسران اسرائیل علیهم السلام پند گیرید ، که سرگذشت ها سخت همسان اند و داستان ها [ی گذشتگان] ، همانندی بس نزدیکی دارند! در کار آنان ، آن گاه که پراکنده و از هم جدا بودند ، ببیندیشید ، در شب هایی [و روزگاران تاریکی] که کسرها و قیصرها ارباب آنها بودند و آنان را از کشتزارها و دریای عراق (دجله و فرات) و اراضی سرسبز و خرم به جاهایی راندند که رویشگاه درمنه و خیزشگاه تندبادها بودند و زندگی در آنها سخت بود . آنان را [در این اماکن] نیازمند و مستمند ، رها کردند و یار و همراه زخم و گُرک [شتر] شدند ، در بدترین سراها و بی آب و علف ترین سرزمین ها به سر می بردند ، زیر بار مهتری گرد نمی آمدند ، و نه در سایه [الفت و] هم بستگی ای بودند که بر قدرت آن تکیه کنند . اوضاع ، آشفته بود ، و دست ها پراکنده ، و تفرقه بیداد می کرد ،

در رنج شدید و جهلِ مطلق می زیستند ، دختران را زنده به گور می کردند و بت می پرستیدند و رشته های خویشاوندی را می بُریدند و غارتگری می کردند . سپس بنگرید به نعمت هایی که خداوند ، هنگام فرستادن پیامبری به سوی آنان ، ارزانی شان داشت : اطاعت آنان را از آیین خود ، بر عهده شان گذاشت و برِ گرد دعوت خود ، همدل و هم داستانشان نمود ، و نعمتِ بالِ کرامتش را بر سرِ آنان گسترانید و جویبارهای نعمت هایش را بر ایشان ، روان ساخت ، و این آیین (اسلام) با فواید و حاصل های برکت خود ، آنان را فرو گرفت و در نعمت آن ، غرق شدند ، و در خرمی زندگی اش ، شاد زیستند . بر اریکه فرمان روایی ، بلامنازع نشستند و در سایه قدرتی چیره ، آرمیدند و در پناه عزّت و بزرگواری پیروزی قرار گرفتند و بر جهانیان ، فرمان روا شدند و بر کران تا کران زمین ، شهریار گشتند و زمامدار امورِ کسانی شدند که روزگاری ، زمام امور آنان را در دست داشتند ، و بر کسانی قوانینی را اجرا کردند که زمانی ، آنها بر ایشان اجرا می کردند . دیگر ، نه کسی را جرئت آن بود که نیزه ای در برابرشان به مُشت فشارد ، و نه سنگی به سویشان بیفکند .

ص: ۵۲

..

ص: ۵۳

..

ص: ۵۴

..

ص: ۵۵

..

ص: ۵۶

۲ / ۲ الظُّلْمُ الْكُتَابُ «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» . (۱)

الحديث للإمام علي عليه السلام : إِنَّ الْبَغْيَ وَالزُّورَ يُوْتِغَانِ (۲) الْمَرْءَ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ ، وَيُؤِيدِيَانِ خَلْلَهُ عِنْدَ مَنْ يَعِيبُهُ . (۳)

۱- .. الأنعام : ۸۲ .

۲- .. يُوْتِغُ : يُهْلِكُ (النهاية : ج ۵ ص ۱۴۹ «وتغ») .

۳- .. نهج البلاغه : الكتاب ۴۸ ، وقعه صفین : ص ۴۹۳ وفيه « يغنيه » بدل « يعيبه » ، بحار الأنوار : ج ۳۳ ص ۳۰۸ ح ۵۵۸ .

ص: ۵۷

۲ / ۲ ستم

۲ / ۲ ستمقرآن «آنان که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستم (شرك) نیاوردند ، ایشان راست امتیت ، و هم ایشان ندره یافتگان» .

حدیثامام علی علیه السلام : ستمگری و سخن باطل ، دین و دنیای آدمی را تباه می کنند و کاستی او را در نزد کسی که از او عیبجویی می کند ، نمایان می سازند .

ص: ٥٨

عنه عليه السلام : إِحْذَرِ الْعَسْفَ (١) وَالْحَيْفَ (٢)؛ فَإِنَّ الْعَسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ ، وَالْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ . (٣)

٢ / ٣ الكفرانالكتاب «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَزِيهً كَرِهْتَ ءَامِنَهُ مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَّ اللَّهُ لِيَّاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ » . (٤)

«لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْئَلَتِهِمْ ءَايَةٌ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَهُ طَيِّبَهُ وَرَبُّ غَفُورٌ * فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرْمِ وَبَدَلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَى أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ * ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ * وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَرَى الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا قَرْىَ ظَهْرَهُ وَفَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرُوا فِيهَا لَيْالِيً وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ * فَقَالُوا رَبَّنَا بَعْدَ بَيْنِ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ » . (٥)

«أَتَتْرُكُونَ فِي مَآ هَاهُنَا ءَامِنِينَ * فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٍ * وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ * وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا * وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ » . (٦)

١- .. الْعَسْفُ : الْجَوْرُ (النهاية : ج ٣ ص ٢٣٦ «عسف») .

٢- .. الْحَيْفُ : الْجَوْرُ وَالظُّلْمُ (النهاية : ج ١ ص ٤٦٩ «حيف») .

٣- .. نهج البلاغه : الحكمه ٤٧٦ ، خصائص الأئمه عليهم السلام : ص ١٢٥ ، روضه الواعظين : ص ٥١١ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٤٨٨ ح ٦٩٣ .

٤- .. النحل : ١١٢ .

٥- .. سبأ : ١٥ ١٩ .

٦- .. الشعراء : ١٤٦ ١٥٢ .

۲ / ۳ ناسپاسی

امام علی علیه السلام: از زور‌گویی و بیداد‌گری بپرهیز؛ زیرا، زور‌گویی، باعث آوارگی [مردم] می‌شود و بیداد‌گری، کار را به شمشیر [و قیام مردم] می‌کشاند.

۲ / ۳ ناسپاسیقرآن «و خدا، آبادی ای را نمونه آورد که امن و آرام بود و روزی اش از هر جا فراوان می‌رسید. پس نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای کاری که کردند، طعم گرسنگی و ترس (ناامنی) را به آن چشاند».

«قطعاً برای [مردم] سبأ در محلّ سکونتشان نشانه [ی رحمتی] بود؛ دو باغستان از راست و چپ. [به آنان گفتیم]: از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده. پس روی گردانیدند و بر آنان، سیل [سَدّ] عَرم را روانه کردیم و دو باغستان آنها را به دو باغ که میوه‌هایی تلخ و شوره‌گز و نوعی از کُنار تُتک داشت، تبدیل کردیم. این [عقوبت] را به سزای آن که کفرانِ نعمت کردند، به آنان جزا دادیم؛ و آیا جز ناسپاس را به مجازات می‌رسانیم؟ و میان آنان و میان آبادی‌هایی که در آنها برکت نهاده بودیم، شهرهایی متّصل به هم قرار داده بودیم، و در میان آنها، مسافت را به اندازه مقرّر داشته بودیم. در این راه‌ها، شب‌ها و روزها آسوده خاطر بگردید، پس، گفتند: «پروردگارا! میان [منزل‌های] سفرهایمان فاصله بیانداز» و برخویشتن، ستم کردند. پس آنها را [برای آیندگان، موضوع] حکایت‌ها گردانیدیم، و سخت‌تار و مارشان کردیم، قطعاً در این [ماجرا] برای هر شکیبایِ سپاس‌گزاری عبرت‌هاست».

«آیا شما را در آنچه دارید، آسوده رها می‌کنند، در باغ‌ها و در کنار چشمه‌ساران و کشتزارها و خرما بُن‌هایی که شکوفه‌هایشان لطیف است و هنرمندان [برای خود] از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید؟ و از خدا، پروا کنید و فرمان ببرید؛ و از فرمان افراط‌گران، پیروی نکنید؛ آنان که در زمین، فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند».

ص: ٤٠

الحديث دعائم الإسلام: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى كُدْسٍ (١) الْحِنْطَةِ؟ فَهَيَّ عَنِ ذَلِكِ، فَقِيلَ لَهُ: فَإِذَا افْتُرِشَ فَكَانَ كَالسَّطْحِ؟ فَقَالَ: لَا يُصَلَّى عَلَى شَيْءٍ مِنَ الطَّعَامِ، فَإِنَّمَا هُوَ رِزْقُ اللَّهِ لِخَلْقِهِ وَنِعْمَتُهُ عَلَيْهِمْ، فَعَظَّمُوهُ وَلَا تَطَّوُّوهُ وَلَا تَسْتَهِنُوا بِهِ، فَإِنَّ قَوْمًا فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ، فَاتَّخَذُوا مِنَ الْخُبْزِ النَّقِيِّ مِثْلَ الْأَفْهَارِ (٢) فَجَعَلُوا يَسْتَنْجُونَ (٣) بِهِ، فَابْتَلَاهُمُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلْبَابِ السُّنَيْنِ وَالْجُوعِ، فَجَعَلُوا يَتَّبِعُونَ مَا كَانُوا يَسْتَنْجُونَ بِهِ فَيَأْكُلُونَهُ، فَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمًا كَانَتْ ءَامِنَهُ مُطْمَئِنِّتَةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ». (٤)

دعائم الإسلام: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا رَأَى شَيْئًا مِنَ الطَّعَامِ فِي مَنَزَلِهِ قَدْ رُمِيَ بِهِ، نَقَصَ مِنْ قَوْتِ أَهْلِهِ مِثْلَهُ. وَكَانَ يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عِزًّا وَجَلْبَابِ السُّنَيْنِ: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمًا كَانَتْ ءَامِنَهُ مُطْمَئِنِّتَةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»، قَالَ: هُمْ أَهْلُ الْقَرِيَةِ، كَانَ اللَّهُ عِزًّا وَجَلْبَابِ السُّنَيْنِ أَوْسَعَ عَلَيْهِمْ فِي مَعَايِشِهِمْ فَاسْتَخْشَنُوا الْإِسْتِنْجَاءَ بِالْحِجَارَةِ، وَاسْتَعْمَلُوا مِنَ الْخُبْزِ (٥) مِثْلَ الْأَفْهَارِ، وَكَانُوا يَسْتَنْجُونَ بِهَا. فَبَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ دَوَابَّ أَصْغَرَ مِنَ الْجَرَادِ، فَلَمَّ تَدَعَّ لَهُمْ شَيْئًا مِمَّا خَلَقَهُ اللَّهُ مِنْ شَجَرٍ وَلَا نَبَاتٍ إِلَّا أَكَلَتْهُ، فَبَلَغَ بِهِمُ الْجَهْدُ إِلَى أَنْ رَجَعُوا إِلَى الَّذِي كَانُوا يَسْتَنْجُونَ بِهِ مِنَ الْخُبْزِ، فَيَأْكُلُونَهُ. (٦)

١-.. الكُدْسُ: ما يجمع من الطعام في البيدر (المصباح المنير: ص ٥٢٧ «كُدس»).

٢-.. الفُهْرُ: الحَجَرُ (النهاية: ج ٣ ص ٤٨١ «فهر»).

٣-.. اسْتَنْجَيْتَ: غَسَلْتُ مَوْضِعَ النَّجْوِ [أى الغائط] أَوْ مَسَحْتَهُ بِحَجَرٍ أَوْ مَدَرٍ (المصباح المنير: ص ٥٩٥ «نجا»).

٤-.. دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٧٩، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٩٨ ح ١٦.

٥-.. في المصدر: «من خبز»، والتصويب من بعض نسخ المصدر المنقوله في الهامش وكما في بحار الأنوار.

٦-.. دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١١٤ ح ٣٧٩، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٤٣١ ح ١٦.

ص: ۶۱

حدیث‌عائم الإسلام: از امام صادق علیه السلام درباره نماز خواندن بر بالای خرمن گندم سؤال شد. امام علیه السلام از آن نهی فرمود. به ایشان گفته شد: اگر خرمن را پهن کردند و مانند پشت بام [مسطح] شد، چه؟ فرمود: «روی گندم، به هیچ وجه نباید نماز خواند؛ چون گندم، روزی و نعمت خدا برای خلق اوست. پس، آن را گرمی بدارید و لگدمال نکنید و به آن، بی حرمتی ننمایید؛ چه، پیش از شما مردمانی بودند که خداوند روزی آنها را برایشان گشایش داد و آنها، از نان پاک به جای سنگ، استفاده می کردند و با آن، استنجا می نمودند. لذا خدای عز و جلالان را به قحطی و گرسنگی گرفتار کرد، به طوری که دنبال نان هایی که با آنها استنجا کرده بودند، می گشتند و آنها را می خوردند! این آیه، درباره همین مردمان نازل شده است: «و خدا، آبادی ای را نمونه آورد که امن و آرام بود و روزی آن، از هر جا فراوان می رسید. پس نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای کاری که کردند، طعم گرسنگی و ترس (ناامنی) را به ایشان چشانید».

دعائم الإسلام: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پدرم علیه السلام هرگاه تکه نانی را در منزلش می دید که دور انداخته شده است، به همان اندازه، از خوراک اعضای خانواده اش کم می کرد». و درباره این سخن خداوند عز و جل: «و خدا، آبادی ای را نمونه آورد که امن و آرام بود و روزی اش از هر جا فراوان می رسید. پس نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای کاری که کردند، طعم گرسنگی و ناامنی را به ایشان چشانید»، می فرمود: «خداوند عز و جل به زندگی مردم این آبادی، چندان گشایش داد که استنجا کردن با سنگ را زبر و خشن یافتند و به استفاده از نان به جای سنگ رو آوردند و با آن، استنجا می کردند. لذا خداوند، حشراتی کوچک تر از ملخ به سراغشان فرستاد و آن حشرات، هر درخت و گیاهی را که خداوند آفریده بود، تماما خوردند و کار به حدی بر مردم سخت شد که به سراغ همان نان هایی که با آنها استنجا کرده بودند، می رفتند و آنها را می خوردند».

ص: ٦٢

الكافی عن سدير: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَقَالُوا رَبَّنَا بَعْدَ بَيْنِ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ...» الْآيَةَ، فَقَالَ: هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَانَتْ لَهُمْ قُرَى مُتَّصَةً لَمْ يَنْظُرْ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ، وَأَنْهَارٌ جَارِيَةٌ وَأَمْوَالٌ ظَاهِرَةٌ، فَكَفَرُوا بِعَمَلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلَوْعَيَّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ مِنْ عَافِيَةِ اللَّهِ، فَغَيَّرَ اللَّهُ مَا بِهِمْ مِنْ نِعْمِهِ، وَ«إِنَّ اللَّهَ لَمَّا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (١)، فَأَرْسَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سَبِيلَ الْعَرَمِ (٢)، فَغَزَقَ قُرَاهِمُ، وَخَرَّبَ دِيَارَهُمْ، وَأَذْهَبَ أَمْوَالَهُمْ، وَأَبْدَلَهُمْ مَكَانَ جَنَاتِهِمْ جَنَّاتٍ ذَوَاتِى أُكُلٍ خَمِطٍ (٣) وَأَثَلِ وَشَىءٍ مِنْ سِدْرِ قَلِيلٍ، ثُمَّ قَالَ: «ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ» (٤).

١- .. الرعد: ١١.

٢- .. سَبِيلَ الْعَرَمِ: أَرَادَ سَبِيلَ الْأَمْرِ الْعَرَمِ، وَقِيلَ: الْعَرَمُ: الْمَسْنَأُ، وَقِيلَ: الْجُرْدُ الذِّكْرُ وَنَسَبَ إِلَيْهِ السَّبِيلُ مِنْ حَيْثُ أَنَّهُ نَقَبَ الْمَسْنَأَ (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٥٦٢ «عرم»).

٣- .. الْخَمِطُ: شَجَرٌ لَا شَوْكَ لَهُ، وَهُوَ الْأَرَاكُ (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٢٩٩ «خمط»).

٤- .. الكافي: ج ٢ ص ٢٧٤ ح ٢٣ وج ٨ ص ٣٩٥ ح ٥٩٦، قصص الأنبياء للراوندى: ص ٩٩ ح ٩٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ١٤٤ ح ٣.

ص: ۶۳

الکافی به نقل از سدیر: مردی از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل: «و گفتند: خدایا! میان سفرهایمان فاصله بیانداز، و بر خویشتن، ستم کردند...»، پرسید. فرمود: «اینان، مردمانی بودند که آبادی‌های به هم پیوسته داشتند، چونان که یکدیگر را می‌دیدند. (۱) رودهای روان و املاک فراوان داشت. اما نعمت‌های خداوند عز و جل را ناسپاسی کردند و عافیت خدا را که از آن برخوردار بودند، دگرگون ساختند. خدا هم نعمتی را که به آنها داده بود، دگرگون ساخت. «خداوند، [نعمت] هیچ قومی را دگرگون نمی‌سازد، مگر آن‌گاه که خودشان، آنچه را دارند [از نعمت]، دگرگون سازند». پس خداوند، سیل ویرانگری را بر آنان فرستاد که آبادی‌هایشان را زیر آب فرو بُرد و خانه‌هایشان را ویران نمود و اموال و املاکشان را بُرد و به جای باغ‌هایشان، دو باغ با میوه‌های تلخ و شوره‌گز و نوعی از کُنار تُنک به آنان داد. سپس فرمود: «این را به سزای آن که کفران نعمت کردند، به آنان جزا دادیم، و آیا جز ناسپاس را به مجازات می‌رسانیم؟».

۱- یا: از این آبادی آن آبادی را می‌دیدند.

ص: ۶۴

جمال الأسبوع فی دعاءِ یومِ الخَمیسِ : اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، قُلْتَ فِي كِتَابِكَ : « وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَّ اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ » ، فَبِكَ آمَنْتُ وَصَدَقْتُ ، فَلَا تَجْعَلْ هَذَا مَثَلِي فِي نِعْمَتِكَ يَا سَيِّدِي ، وَلَا تَجْعَلْنِي مُغْتَرًا بِالطَّمَأْنِينَةِ إِلَى رَعْدِ الْعَيْشِ ، آمِنًا مِنْ مَكْرِكَ ، لِأَنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ : « فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ » (۱) ، وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ ، مُعْتَرِفٌ بِإِحْسَانِكَ ، مُسْتَجِيرٌ بِكَرَمِكَ ، مِنْ أَنْ تُذِقَنِي لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بَعْدَ الْأَمْنِ وَالنَّعْمَةِ ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ . (۲)

۱- .. الأعراف : ۹۹ .

۲- .. جمال الأسبوع : ص ۸۳ ، بحار الأنوار : ج ۹۰ ص ۳۱۸ .

ص: ۶۵

جمال الأسبوع در دعای روز پنج شنبه: بار خدایا! تو را ستایش، که معبودی جز تو نیست. تو در کتابت فرمودی: «و خدا، آبادی ای را نمونه آورد که امن و آرام بود و روزی اش از هر سو فراوان می رسید. پس نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای کاری که کردند، طعم گرسنگی و ترس را به آنها چشانید». اما من به تو ایمان دارم و تصدیقت می کنم. پس ای سِرورَم این را نمونه من در نعمت قرار مده، و چنان مکن که به وفور نعمتم آسوده خاطر شوم و خود را از مکر تو ایمن بیندارم؛ که تو در کتابت فرموده ای: «جز مردم زیانکار، کسی خود را از مکر خدا ایمن نمی داند»، و من از نیرو و توان [خویش] به تو بیزاری می جویم، به نیکی کردن های تو معترفم و به کرم تو پناه می آورم از این که پس از [برخورداری ام از] امتیّت و نعمت، طعم گرسنگی و ترس را به من بچشانی! و بر محمّد و خاندانش درود فرست.

ص: ٦٦

الفصل الثالث : سیاسات الإمام علیّ الأمتیه ٣ / ١ الاستخبار الإمام علیّ علیه السلام فی کتابه إلى عمّاله : بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . مِن عَبْدِ اللّهِ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى مَنْ قَرَأَ كِتَابِي هَذَا مِنَ الْعُمَّالِ : أَمَا بَعْدُ ، فَإِنَّ رِجَالًا لَنَا عِنْدَهُمْ بِيَعَهُ خَرَجُوا هُرَابًا فَنَظَنُّهُمْ وَجَّهُوا نَحْوَ بِلَادِ الْبَصْرَةِ ، فَاسْأَلْ عَنْهُمْ أَهْلَ بِلَادِكَ ، وَاجْعَلْ عَلَيْهِمُ الْعِيُونَ فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ مِنْ أَرْضِكَ ، ثُمَّ اكْتُبْ إِلَيَّ بِمَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ عَنْهُمْ ، وَالسَّلَامُ . (١)

وقعه صفین : إِنَّ عَلِيًّا أَظْهَرَ أَنَّهُ مُصَبِّحٌ غَدًا مُعَاوِيَةَ وَمُنَاجِزُهُ ، فَبَلَغَ ذَلِكَ مُعَاوِيَةَ ، وَفَزِعَ أَهْلَ الشَّامِ لِذَلِكَ وَانكسروا لِقَوْلِهِ . وَكَانَ مُعَاوِيَةَ بِنَ الضَّحَّاكِ بْنِ سُفْيَانَ صَاحِبُ رَايَةِ بَنِي سُلَيْمٍ مَعَ مُعَاوِيَةَ ، وَكَانَ مُبْغِضًا لِمُعَاوِيَةَ وَأَهْلِ الشَّامِ ، وَلَهُ هَوَى مَعَ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَعَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَكَانَ يَكْتُبُ بِالْأَخْبَارِ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الطُّفَيْلِ الْعَامِرِيِّ وَيَبْعَثُ بِهَا إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (٢)

١- .. الغارات : ج ١ ص ٣٣٧ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٤٠٧ ح ٦٢٨ ؛ تاريخ الطبري : ج ٥ ص ١١٦ نحوه ، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ج ٣ ص ١٣٠ .

٢- .. وقعه صفین : ص ٤٦٨ ، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ج ١٥ ص ١٢٠ .

فصل سوم : سیاست های امتیابی امام علی علیه السلام

۳ / ۱ کسب اطلاعات

فصل سوم : سیاست های امتیابی امام علی ۳ / ۱ کسب اطلاعات امام علی علیه السلام در نامه اش به کارگزارانش : به نام خداوند بخشنده مهربان . از بنده خدا علی ، پیشوای مؤمنان ، به هر آن کس از کارگزاران که نامه ام را بخواند . پس از حمد و سپاس الهی ؛ مردانی با ما بیعت داشتند و [اینک] گریخته اند . پس گمان می بریم که به سوی شهرهای ناحیه بصره رفته اند . از مردمان شهرهای درباره آنان پرس و جو کن و مأموران مخفی (خبرچین ها) را از هر سوی سرزمین خود ، بر آنان بگمار . آن گاه ، آنچه را که بدان رسیدی ، برایم بنویس . والسلام!

وقعه صفین : علی علیه السلام چنین وانمود کرد که فردا ، صبحگاهان ، به سوی معاویه خواهد رفت و با او پیکار خواهد نمود . این خبر به معاویه رسید و شامیان ، از این مطلب به وحشت افتادند و از این سخن ، شکسته شدند . معاویه بن ضحاک بن سفیان ، پرچمدار قبیله بنی سلیم ، با معاویه بود ولی معاویه و شامیان را دشمن می داشت و به مردمان عراق و علی بن ابی طالب علیه السلام ، تمایل داشت و خبرها را برای عبد الله بن طفیل عامری می نوشت و او آن را برای علی علیه السلام می فرستاد .

ص: ۶۸

وقعه صفین: بَعَثَ عَلِيٌّ خَيْلًا لِيَحْبِسُوا عَنْ مُعَاوِيَةَ مَادَّةً، فَبَعَثَ مُعَاوِيَةُ الضَّحَّاكَ بْنَ قَيْسِ الْفِهْرِيِّ فِي خَيْلٍ إِلَى تِلْكَ الْخَيْلِ فَأَزَالُوها، وَجَاءَتْ عُيُونُ عَلِيٍّ فَأَخْبَرَتْهُ بِمَا قَدْ كَانَ، فَقَالَ عَلِيٌّ لِأَصْحَابِهِ: فَمَا تَرَوْنَ فِيمَا هَاهُنَا؟ فَقَالَ بَعْضُهُمْ: نَرَى كَذَا. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: نَرَى كَذَا. فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ الْإِخْتِلَافَ أَمَرَهُمْ بِالْعُدُوِّ إِلَى الْقَوْمِ، فَعَادَاهُمْ إِلَى الْقِتَالِ قِتَالِ صِفِّينَ، فَأَنْهَزَمَ أَهْلُ الشَّامِ. (۱)

أنساب الأشراف: قَدِمَ عَلِيٌّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَيْنٌ لَهُ بِالشَّامِ فَأَخْبَرَهُ بِخَبَرِ بُسْرِ. يُقَالُ: إِنَّهُ قَيْسُ بْنُ زُرَّارَةَ بْنِ عَمْرِو بْنِ حَطِيانِ الْهَمْدَانِيِّ، وَكَانَ قَيْسٌ هَذَا عَيْنًا لَهُ بِالشَّامِ يَكْتُبُ إِلَيْهِ بِالْأَخْبَارِ. (۲)

الإمام علي عليه السلام من كتابه إلى عبد الله بن بيدل: وَإِيَّاكَ وَمُؤَاقَعَةَ أَحَدٍ مِنْ خَيْلِ الْعِدُوِّ حَتَّى أَتَقَدَّمَ عَلَيْكَ، وَأَذِكِ الْعُيُونَ نَحْوَهُمْ، وَلِيَكُنْ مَعَ عُيُونِكَ مِنَ السَّلَاحِ مَا يُبَاشِرُونَ بِهِ الْقِتَالَ، وَلِتَكُنْ عُيُونُكَ الشُّجْعَانَ مِنْ جُنْدِكَ، فَإِنَّ الْجَبَانَ لَا يَأْتِيكَ بِصِحَّةِ الْأَمْرِ، وَانْتَهَ إِلَى أَمْرِي وَمَنْ قَبْلَكَ يَأْذِنُ اللَّهُ وَالسَّلَامُ. (۳)

الفتوح في ذكر حرب صفين: قَدْ كَانَ مَعَ مُعَاوِيَةَ رَجُلٌ مِنْ حَمِيرٍ يُقَالُ لَهُ الْحَصِيُّ بْنُ بَنِي مَالِكٍ وَكَانَ يُكَاتِبُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَدُلُّهُ عَلَى عَوْرَاتِ مُعَاوِيَةَ. (۴)

۱-.. وقعه صفين: ص ۳۶۰، بحار الأنوار: ج ۳۲ ص ۵۰۰ ح ۴۳۰؛ شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ج ۸ ص ۳۹.

۲-.. أنساب الأشراف: ج ۳ ص ۲۱۲.

۳-.. المعيار والموازنة: ص ۱۳۱.

۴-.. الفتوح: ج ۳ ص ۷۸.

ص: ۶۹

وقعه صفین: علی علیه السلام، گروهی را فرستاد تا از رسیدن نیروی پشتیبانی به معاویه جلوگیری کنند. معاویه هم ضحاک بن قیس فہری را با جمعیتی به سوی آنان گسیل داشت و آنان را پراکنده ساختند. مأموران مخفی علی علیه السلام آمدند و آنچه را رخ داده بود، گزارش دادند. پس علی علیه السلام به یارانش فرمود: «اینک چه باید بکنیم؟». گروهی گفتند: این کار، و گروهی گفتند: آن کار. وقتی اختلاف نظر آنان را دید، فرمان داد تا صبحگاهان به سوی معاویه هجوم بزنند و آنان را بامدادان، به نبرد (نبرد صفین) سوق داد و شامیان، شکست خوردند.

أنساب الأشراف: دیده بان علی بن ابی طالب علیه السلام در شام، نزد او آمد و گزارش بوسر را به وی داد. گفته شده که این شخص، قیس بن زراره بن عمرو بن حطیان همدانی بود. قیس، مأمور مخفی علی علیه السلام در شام بود و اخبار را برایش می نوشت.

امام علی علیه السلام از نامه اش به عبد الله بن بدیل: و بیرهیز از برخورد با لشکر دشمن، تا به سوی تو آییم! و مأموران مخفی را به سویشان گسیل دار و باید همراه آنان، سلاحی باشد که بتوانند با آن پیکار کنند. مأموران مخفی، باید دلیران سپاه باشند؛ چرا که ترسوها گزارش درست برایت نیاورند. خودت و هر که با توست، با اذن خدا به دستوراتم پایبند باشید. والسلام!

الفتوح در گزارش جنگ صفین: مردی از قبیله حمیر، به نام حصین بن مالک با معاویه بود که با علی بن ابی طالب علیه السلام مکاتبه داشت و او را بر اسرار معاویه آگاه می ساخت.

ص: ۷۰

۳ / ۲ استصلاح الأعداء الإمام علی علیه السلام : مَنْ اسْتَصْلَحَ عَدُوَّهُ زَادَ فِي عَدَدِهِ . (۱)

عنه عليه السلام : مَنْ اسْتَصْلَحَ الْأَضْدَادَ بَلَغَ الْمُرَادَ . (۲)

عنه عليه السلام : كَمَالُ الْحَزْمِ اسْتِصْلَاحُ الْأَضْدَادِ ، وَمُدَاجَاةُ الْأَعْدَاءِ . (۳)

عنه عليه السلام : الْإِسْتِصْلَاحُ لِلْأَعْدَاءِ بِحُسْنِ الْمَقَالِ وَجَمِيلِ الْأَفْعَالِ ، أَهْوَنُ مِنْ مُلَاقَاتِهِمْ وَمُغَالَبَتِهِمْ بِمَضِيضِ (۴) الْقِتَالِ . (۵)

عنه عليه السلام : الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيءِ يَسْتَصْلِحُ الْعَدُوَّ . (۶)

عنه عليه السلام : كَانَتْ الْحُكْمَاءُ فِيمَا مَضَى مِنَ الدَّهْرِ تَقُولُ : يَتَّبِعِي أَنْ يَكُونَ الْإِخْتِلَافُ إِلَى الْأَبْوَابِ لِعَشْرِهِ أَوْجِهٍ : أَوْلَاهَا : بَيْتُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِقَضَاءِ نُسَيْكِهِ وَالْقِيَامِ بِحَقِّهِ وَأَدَاءِ فَرَضِهِ ... التَّيَاسُعُ : أَبْوَابُ الْأَعْدَاءِ الَّتِي تَسْكُنُ بِالْمِيدَارِ غَوَائِلُهُمْ ، وَيُدْفَعُ بِالْحَيْلِ وَالرَّفْقِ وَاللُّطْفِ وَالزِّيَارَةِ عَدَاوَتَهُمْ ... (۷)

۱- .. غرر الحكم : ج ۵ ص ۲۵۶ ح ۸۲۳۰ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۴۴۵ ح ۷۸۳۸ .

۲- .. غرر الحكم : ج ۵ ص ۲۱۵ ح ۸۰۴۳ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۴۳۱ ح ۷۴۱۷ .

۳- .. غرر الحكم : ج ۴ ص ۶۲۸ ح ۷۲۳۲ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۳۹۷ ح ۶۷۴۱ .

۴- .. الْمَضُّضُ : وَجَعُ الْمَصِيْبَةِ ، وَمَضِضَتْ مِنْهُ : أَلْمَتْ ، وَمَضَّنِي الْجُرْحُ : آلَمَنِي وَأَوْجَعَنِي (لسان العرب : ج ۷ ص ۲۳۳ «مضض»).

۵- .. غرر الحكم : ج ۲ ص ۴۸۲ ح ۱۹۲۶ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۵۷ ح ۱۴۷۲ .

۶- .. غرر الحكم : ج ۱ ص ۳۹۲ ح ۱۵۱۷ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۴۸ ح ۱۲۲۳ وفيه «يصلح» بدل «يستصلح» .

۷- .. الخصال : ص ۴۲۶ ح ۳ عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : ج ۷۶ ص ۶۱ ح ۱ .

ص: ۷۱

۳ / ۲ اصلاح دشمنان

۳ / ۲ اصلاح دشمنان امام علی علیه السلام: آن که دشمنش را اصلاح کند، بر جمعیت خود افزوده است.

امام علی علیه السلام: آن که مخالفان را به صلاح آورد، به مقصود رسد.

امام علی علیه السلام: کمال دوراندیشی، به صلاح کشاندن مخالفان و مدارا با دشمنان است.

امام علی علیه السلام: به صلاح آوردن دشمنان با سخن نیک و رفتار زیبا، آسان تر است از رو در رو شدن با آنان و پیکار با آنان با درد و رنج نبرد.

امام علی علیه السلام: نیکی کردن به بدکار، دشمن را به صلاح کشاند.

امام علی علیه السلام: حکیمان، در روزگاران گذشته می گفتند: شایسته است که رفت و آمد بر در خانه دیگران، برای ده انگیزه باشد: اولین آن، بر در خانه خدا برای انجام دادن مناسک و اهتمام به حق الهی و ادای واجبات او؛ ... نهمی، بر در خانه دشمنان، که با مدارا، غائله آنان فروکش کند و با نرمی و لطف و دید و بازدید، دشمنی آنان برطرف شود ...

ص: ۷۲

عنه عليه السلام : مَنْعُ أَذَاكَ يُصْلِحُ لَكَ قُلُوبَ عِدَاكَ . (۱)

عنه عليه السلام : صَافِحَ عِدُوكَ وَإِنْ كَرِهَ ، فَإِنَّهُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عِبَادَهُ يَقُولُ : «أَدْفَعِ بِلَيْتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ * وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (۲). (۳)

عنه عليه السلام في الحِكمِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ : إِذَا صَافَاكَ عِدُوكَ رِيَاءً مِنْهُ فَتَلَقَّ ذَلِكَ بِأَوْكِدِ مَوَدَّةٍ ، فَإِنَّهُ إِنْ أَلْفَ ذَلِكَ وَاعْتَادَهُ خُلَصَاتِ لَكَ مَوَدَّتُهُ . (۴)

۳ / ۳ الْمُسَالَمَةُ مَعَ الْوَعِيالِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَجَدْتُ الْمُسَالَمَةَ مَا لَمْ يَكُنْ وَهْنٌ فِي الْإِسْلَامِ أَنْجَعَ مِنَ الْقِتَالِ . (۵)

۱- .. غرر الحكم : ج ۶ ص ۱۲۹ ح ۹۷۸۴ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۴۸۹ ح ۹۰۵۷ .

۲- .. فَصَّلَتْ : ۳۴ و ۳۵ .

۳- .. الخصال : ص ۶۳۳ ح ۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ۷۱ ص ۴۲۱ ح ۵۸ .

۴- .. شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ج ۲۰ ص ۳۲۱ ح ۶۸۰ .

۵- .. غرر الحكم : ح ۱۰۱۳۸ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۵۰۶ ح ۹۲۸۸ وزاد فيه «خيرا» بعد «المسالمة» .

ص: ۷۳

۳ / ۳ سازش به همراه زیرکی

امام علی علیه السلام: خودداری از آزار [دیگران]، دل‌های دشمنان را به صلاح کشاند.

امام علی علیه السلام: با دشمنت مصافحه کن، گرچه ناخوش دارد؛ چرا که آن، از چیزهایی است که خداوند عز و جلبنده گانش را بدان فرمان داده است، [آن‌جا که] می‌فرماید: «بدی را به آنچه بهتر است، دفع کن. آن‌گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می‌گردد؛ و این [خصلت] را جز کسانی که شکیباً بوده‌اند، نمی‌یابند، و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ، نخواهد یافت».

امام علی علیه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان: اگر دشمنت تظاهر به دوستی و یک‌رنگی با تو کرد، آن را با دوستی گرم بپذیر؛ چرا که اگر این را ادامه دهد و بدان خو گیرد، دوستی‌اش خالص گردد.

۳ / ۳ سازش به همراه زیرکی امام علی علیه السلام: سازش را تا زمانی که در آن ضعفی برای اسلام نباشد، سودمندتر از نبرد یافتم.

ص: ۷۴

عنه عليه السلام : من أفضل النصح الإشارة بالصُّلح . (۱)

عنه عليه السلام في عهده إلى مالِك الأشر : ولا تدفنن صلحا دعاك إليه عدوك ولله فيه رضى ، فإن في الصلح دعة لجنودك ، وراحته من همومك ، وأمننا لبلادك . ولكن الخذر كل الخذر من عدوك بعد صلحه ، فإن العدو ربما قارب ليتغفل ، فخذ بالحزم ، واتهم في ذلك حسن الظن . (۲)

۳ / ۴ شدة الخذر من العدو الإمام على عليه السلام : من نام لم يتم عنه . (۳)

عنه عليه السلام : كن من عدوك على أشد الخذر . (۴)

عنه عليه السلام : لا تأمن عدوا وإن شكر . (۵)

عنه عليه السلام : شر الأعداء أبعدهم غورا وأخفاهم مكيدة . (۶)

۱- .. غرر الحكم : ح ۹۳۷۹ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۴۷۰ ح ۸۵۷۹ وفيه «أحسن» بدل «أفضل» .

۲- .. نهج البلاغه : الكتاب ۵۳ ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص ۱۲۳ ، تحف العقول : ص ۱۴۵ ، دعائم الإسلام : ج ۱ ص ۳۶۷ كلاهما نحوه .

۳- .. نهج البلاغه : الكتاب ۶۲ ، الغارات : ج ۱ ص ۳۲۱ عن جنذب .

۴- .. غرر الحكم : ج ۶ ص ۲۹۳ ح ۱۰۳۰۱ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۵۲۳ ح ۹۵۲۲ .

۵- .. غرر الحكم : ج ۶ ص ۲۶۸ ح ۱۰۱۹۷ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۵۱۸ ح ۹۴۰۲ .

۶- .. غرر الحكم : ج ۴ ص ۱۸۸ ح ۵۷۸۱ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ۲۹۵ ح ۵۲۹۱ .

ص: ۷۵

۳ / ۴ هوشیاری کامل در برابر دشمن

امام علی علیه السلام: از برترین خیرخواهی‌ها، راهنمایی به صلح و سازش است.

امام علی علیه السلام در سفارش نامه اش به مالک اشتر: صلحی را که دشمنت تو را بدان فرا خواند و خشنودی خداوند در آن باشد، کنار مزن؛ چرا که در صلح، آسایش سپاهیان تو و آسودگی ات از غصه‌ها و امتیث شهرهایت است. لیکن زنهار، زنهار از دشمن خود پس از آشتی، که بسا دشمن، نزدیک شود تا غفلتی یابد! پس دوراندیش باش و خوش گمانی را در این امور، متهم ساز.

۳ / ۴ هوشیاری کامل در برابر دشمن امام علی علیه السلام: آن که به خواب رود، [دشمن او] به خواب نرود.

امام علی علیه السلام: از دشمنت، به سختی برحذر باش.

امام علی علیه السلام: از هیچ دشمنی ایمن مباش، گرچه سپاس گوید.

امام علی علیه السلام: بدترین دشمنان، آن است که ژرف نگرتر و پنهانکاری اش نسبت به نیرنگ، زیادتر باشد.

ص: ۷۶

عنه عليه السلام في الحِكمِ المنسويهِ إليه : كُنْ لِلْعَدُوِّ الْمُكَاتِمِ أَشَدُّ حَذَرًا مِنْكَ لِلْعَدُوِّ الْمُبَارِزِ . (۱)

عنه عليه السلام : أَوْهَنْ الْأَعْدَاءِ كَيْدًا مَنْ أَظْهَرَ عَدَاوَتَهُ . (۲)

عنه عليه السلام : مَنْ أَظْهَرَ عَدَاوَتَهُ قَلَّ كَيْدُهُ . (۳)

عنه عليه السلام : لَا تَعْتَرَنَّ بِمُجَامَلَةِ الْعَدُوِّ ، فَإِنَّهُ كَالْمَاءِ وَإِنْ أُطِيلَ إِسْخَانُهُ بِالنَّارِ لَا يَمْتَنِعُ مِنْ إِطْفَائِهَا . ۴

۱- .. شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ج ۲۰ ص ۳۱۱ ح ۵۷۵ .

۲- .. غررالحکم: ج ۲ ص ۴۵۰ ح ۳۲۵۸ ، عیون الحکم والمواعظ : ص ۱۲۲ ح ۲۷۹۳ ؛ شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ج ۲۰

ص ۳۴۳ ح ۹۴۷ وفيه «أهون» بدل «أوهن» وراجع : أعلام الدين : ص ۳۱۳ وبحار الأنوار : ج ۷۸ ص ۳۷۷ ح ۳ .

۳- .. غرر الحکم: ج ۵ ص ۱۹۶ ح ۷۹۵۶ ، عیون الحکم والمواعظ : ص ۴۳۰ ح ۷۳۵۴ .

ص: ۷۷

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : از دشمن پنهانکار بیشتر بر حذر باش تا دشمن به میدان آمده .

امام علی علیه السلام : سست ترین دشمنان از جهت حيله و نیرنگ ، آن است که دشمنی اش را آشکار سازد .

امام علی علیه السلام : آن که دشمنی اش را آشکار کند ، حيله اش اندک باشد .

امام علی علیه السلام : فریب ظاهر سازی دشمن را مخور ؛ چرا که دشمن ، چون آب است که گرچه گرم کردن آن با آتش به درازا

کشد ، لیک از خاموش کردن آن سر باز نزنند . ۱ .

ص: ۷۸

۳ / ۱۵ التحذیر من استیغار الخصم امام علی علیه السلام: لا تستصغرن عدوا وإن ضَعَفَ . (۱)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوبه إليه: احذر استيغار الخصم فإنه يمنع من التحفظ، ورُبَّ صغيرٍ غلبَ كبيراً . (۲)

عنه عليه السلام أيضا: لا تستصغرن أمرَ عدوك إذا حازبتَهُ، فإنَّكَ إن ظفرتَ به لم تُحمِدِ وإن ظفِرَ بِكَ لم تُعذِر، والضعيفُ المُحتَرَسُ مِنَ العَدُوِّ القَوِيُّ أَقْرَبُ إِلَى السَّلَامَةِ مِنَ القَوِيِّ المُعْتَرِّ بالضعيفِ . (۳)

۳ / ۱۶ التحذیر من استیصاح الأعداء إلَّا تجرِبُهَعنه عليه السلام: قد جهل من استنصح أعداءه . (۴)

عنه عليه السلام: لا تُشاوِرِ عَدُوَّكَ وَاسْتُرْهُ خَبْرَكَ . (۵)

عنه عليه السلام: استشِرْ أعداءَكَ تَعْرِفْ مِنْ رَأْيِهِمْ مِقْدَارَ عداوتِهِمْ وَمَوَاضِعَ مَقاصِدِهِمْ . (۶)

۱-.. غرر الحكم: ج ۶ ص ۲۷۳ ح ۱۰۲۱۶، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۱۸ ح ۹۴۱۲.

۲-.. شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ج ۲۰ ص ۲۸۲ ح ۲۳۱.

۳-.. شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ج ۲۰ ص ۳۰۹ ح ۵۴۳.

۴-.. غرر الحكم: ج ۴ ص ۴۷۳ ح ۶۶۶۳، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۶۷ ح ۶۱۷۷.

۵-.. غرر الحكم: ج ۶ ص ۲۶۹ ح ۱۰۱۹۸، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۲۱ ح ۹۴۶۱.

۶-.. غرر الحكم: ج ۲ ص ۲۳۳ ح ۲۴۶۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۸۱ ح ۱۹۵۱.

ص: ۷۹

۳ / ۵ کوچک نشمردن دشمن**۳ / ۶ خیرخواهی نخواستن از دشمن ، جز برای آزمودن**

۳ / ۵ کوچک نشمردن دشمنامام علی علیه السلام : هیچ دشمنی را کوچک مشمار ، گرچه ناتوان باشد .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : بپرهیز از کوچک شمردن دشمن ، چرا که از مراقبت بازمی دارد ؛ و چه بسیار کوچک هایی که بر بزرگ ها پیروز گشتند!

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : کار دشمن را به هنگامی که با او نبرد می کنی ، کوچک مشمار ؛ چرا که اگر پیروز شدی ، ستایش نشوی ، و اگر او بر تو پیروز گشت ، معذور نیستی . ناتوانی که مراقب دشمن توانمند است ، به سلامت نزدیک تر است از توانمندی که بر ناتوان ، غزه می شود .

۳ / ۶ خیرخواهی نخواستن از دشمن ، جز برای آزمودن نامام علی علیه السلام : نادان است آن که از دشمنانش خیرخواهی طلبد .

امام علی علیه السلام : با دشمنت رایزنی مکن و اخبارت را از او بپوشان .

امام علی علیه السلام : با دشمنانت رایزنی کن تا از نظرشان ، اندازه دشمنی آنها و اهدافشان را بشناسی .

ص: ۸۰

عنه عليه السلام في الحِكمِ المنسويهِ إليه: استَشِرْ عَدُوَّكَ تَجْرِبَهُ لَتَعْلَمَ مِقْدَارَ عِدَاوَتِهِ . (۱)

عنه عليه السلام: مَنْ اسْتَعَانَ بِعَدُوِّهِ عَلَى حَاجَتِهِ از دَادَ بُعْدًا مِنْهَا . (۲)

۳ / ۷ انتهازُ الفرصهِ في مُوَجَّهَةِ الأعداءِ الإمامِ عليٍّ عليه السلام: اسْتَعْمِلْ مَعَ عَدُوِّكَ مِرَاقَبَةَ الإِمْكَانِ وَانْتِهَازَ الفرصهِ ، تَظَفَّر . (۳)

عنه عليه السلام: لا تُوقِعْ بِالْعَدُوِّ قَبْلَ القُدْرَةِ . (۴)

عنه عليه السلام: لا تُظْهِرِ العداوَةَ لِمَنْ لا سُلْطَانَ لَكَ عَلَيْهِ . (۵)

عنه عليه السلام: لا تَعْرِضْ لِعَدُوِّكَ وَهُوَ مُقْبِلٌ؛ فَإِنَّ إِقْبَالَهُ يُعِينُهُ عَلَيْكَ ، وَلا تَعْرِضْ لَهُ وَهُوَ مُدْبِرٌ؛ فَإِنَّ إِدْبَارَهُ يَكْفِيكَ أَمْرَهُ . (۶)

عنه عليه السلام: أَنْكَأُ الأَشْيَاءِ لِعَدُوِّكَ أَلَّا تُعْلِمَهُ أَنَّكَ اتَّخَذْتَهُ عَدُوًّا . (۷)

۱- .. شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ج ۲۰ ص ۳۱۷ ح ۶۳۴ .

۲- .. غرر الحكم: ج ۵ ص ۴۱۴ ح ۸۹۸۴ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۳۳ ح ۷۴۷۱ .

۳- .. غرر الحكم: ج ۲ ص ۱۹۲ ح ۲۳۴۷ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ۸۳ ح ۲۰۱۸ .

۴- .. غرر الحكم: ج ۶ ص ۲۸۲ ح ۱۰۲۵۸ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۲۲ ح ۹۴۹۰ .

۵- .. كنز الفوائد: ج ۲ ص ۱۸۳ ، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۹۳ ح ۱۰۴ .

۶- .. غرر الحكم: ج ۶ ص ۲۹۵ ح ۱۰۳۰۶ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۲۳ ح ۹۵۲۴ .

۷- .. نثر الدر: ج ۱ ص ۲۹۳ .

ص: ۸۱

۳ / ۷ موقعیت شناسی در برخورد با دشمنان

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: برای آزمودن، با دشمنت رایزنی کن تا اندازه دشمنی اش را بدانی.

امام علی علیه السلام: آن که از دشمنش بر [رفع] نیازمندی اش کمک جوید، از خواسته خود، دورتر شود.

۳ / ۷ موقعیت شناسی در برخورد با دشمنان امام علی علیه السلام: به کارگیر با دشمنت انتظار توانایی و زمان شناسی را، تا پیروز گردی.

امام علی علیه السلام: پیش از توانمندی، بر دشمن یورش مبر.

امام علی علیه السلام: با کسی که بر او قدرت نداری، دشمنی را آشکار مساز.

امام علی علیه السلام: به هنگام روی کردن دشمن، متعرض او مشو؛ چرا که روی کردنش او را بر تو یاری دهد، و به هنگام روی گرداندن دشمن، متعرض او مشو؛ چرا که روی گرداندنش تو را از کار او کفایت کند.

امام علی علیه السلام: نابود کننده ترین چیزها برای دشمنت آن است که به وی اعلام نکنی که او را دشمن گرفته ای.

عنه عليه السلام في الحِكم المنسوية إليه : أَقْتُلُ الْأَشْيَاءَ لِعَدُوِّكَ أَلَّا تُعْرِفَهُ أَنْكَ اتَّخَذْتَهُ عَدُوًّا . (۱)

۳ / ۸ عَدَمُ الْعُقُوبَةِ عَلَى الظَّنِّ وَالتُّهْمَةِ الْجَمَل : دَخَلَ [ابن عَبَّاسٍ] عَلَى أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَابْتَدَأَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ : يَا بَنَ عَبَّاسٍ ، أَعِنْدَكَ خَبْرٌ ؟ فَقَالَ : قَدْ رَأَيْتُ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرَ . فَقَالَ لَهُ : إِنَّهُمَا اسْتَأْذَنَانِي فِي الْعَمْرَةِ ، فَأَذِنْتُ لَهُمَا بَعْدَ أَنْ اسْتَوْتَقْتُ مِنْهُمَا بِالْإِيمَانِ أَلَّا يَغْدِرَا وَلَا يَنْكُثَا وَلَا يُحْدِثَا فَسَادًا . وَاللَّهِ يَا بَنَ عَبَّاسٍ مَا قَصِدَا إِلَّا الْفِتْنَةَ ، فَكَأَنِّي بِهِمَا وَقَدْ صَارَا إِلَى مَكَّةَ لِيَسْتَعِينَا عَلَى حَرْبِي ، فَإِنَّ يَعْلىَ بْنَ مُتِيَةَ الْخَائِنِ الْفَاجِرَ قَدْ حَمَلَ أَمْوَالَ الْعِرَاقِ وَفَارِسَ لِيُنْفِقَ ذَلِكُكَ ، وَسَيُفْسِدُ هَذَانِ الرَّجُلَانِ عَلَيَّ أَمْرِي ، وَيَسْفِكَانِ دِمَاءَ شِيَعَتِي وَأَنْصَارِي . فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ : إِذَا كَانَ عِنْدَكَ الْأَمْرُ كَذَلِكَ فَلِمَ أَذِنْتَ لَهُمَا ؟ وَهَلَّا حَبَسْتَهُمَا وَأَوْتَقْتَهُمَا بِالْحَدِيدِ ، وَكَفَيْتَ الْمُسْلِمِينَ شَرَّهُمَا ؟ فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بَنَ عَبَّاسٍ ، أَتَأْمُرُنِي أَنْ أَبْدَأَ بِالظُّلْمِ وَالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنِ ، وَأُعَاقِبَ عَلَى الظَّنِّ وَالتُّهْمَةِ وَأَخَذَ بِالْفِعْلِ قَبْلَ كَوْنِهِ ؟ كَلِمًا ! وَاللَّهِ لَا عَدَلْتُ عَمَّا أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَّ مِنَ الْحُكْمِ بِالْعَدْلِ ، وَلَمَّا الْقَوْلَ بِالْفَصْلِ . يَا بَنَ عَبَّاسٍ ، إِنَّي أَذِنْتُ لَهُمَا وَأَعْرِفُ مَا يَكُونُ مِنْهُمَا ، لَكِنِّي اسْتَظْهَرْتُ بِاللَّهِ عَلَيْهِمَا ، وَاللَّهِ لَأَقْتُلَنَّهُمَا وَلِيُخَيِّنَ ظَنَّهُمَا ، وَلَا يَلْقِيَانِ مِنَ الْأَمْرِ مُنَاهِمَا ، فَإِنَّ اللَّهَ يَأْخُذُهُمَا بِظُلْمِهِمَا لِي ، وَنَكَتَهُمَا بِيَعْتِي ، وَبَغِيهِمَا عَلَيَّ . (۲)

۱- .. شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ج ۲۰ ص ۲۸۳ ح ۲۴۴ .

۲- .. الجمل : ص ۱۶۶ .

ص: ۸۳

۳ / ۸ کیفر ندادن بر پایه گمان و اتهام

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: کُشندۀ ترین چیز برای دشمن آن است که به وی نفهمانی که او را دشمن گرفته ای .

۳ / ۸ کیفر ندادن بر پایه گمان و اتهام الجمل: ابن عباس بر امیر مؤمنان وارد شد و علی علیه السلام آغاز [به سخن] کرد و فرمود: «ای ابن عباس! آیا نزد تو خبری است؟». گفت: طلحه و زبیر را دیدم . به وی فرمود: «آن دو از من برای عمره اجازه خواستند و من هم ، پس از آن که با سوگندهایی از آنان پیمان گرفتم که حيله نکنند و بیعت نشکنند و فسادی ایجاد نکنند ، اجازه دادم . ای ابن عباس! به خدا سوگند ، آنان ، جز فتنه قصدی ندارند . گویا می بینم که به مکه رفته اند تا برای نبرد با من مدد جویند ؛ چرا که یعلی بن منیه خیانت پیشه تبهکار ، ثروت های عراق و فارس را با خود برده تا در این راه هزینه کند ، و به زودی این دو مرد ، کارم را تباہ می کنند و خون پیروان و یارانم را می ریزند». عبد الله بن عباس گفت: اگر چنین نظری داری ، چرا به آنان اجازه دادی و چرا آنان را زندان نکردی و با آهن به بند نکشیدی تا مسلمانان را از شرشان آسوده داری؟ فرمود: «ای ابن عباس! آیا مرا وای می داری که ستم آغاز کنم و بدی را پیش از نیکی به کار گیرم و آنان را بر پایه گمان و اتهام ، کیفر دهم و پیش از انجام دادن کار ، مؤاخذه کنم؟ هرگز! به خدا سوگند ، از آنچه خداوند از من پیمان گرفته از داوری بر پایه عدل و سخن حق عدول نمی کنم . ای ابن عباس! من بدانان اجازه دادم و آنچه را از آنان سر می زند ، می دانم ؛ لیک در برابر آنان ، از خداوند کمک خواستم و به خدا سوگند ، آنان را خواهم کشت و امیدشان را ناامید خواهم ساخت ، و آن دو به خواسته شان نخواهند رسید ؛ چرا که خداوند ، آنان را بر ستمشان بر من و بیعت شکنی با من و تعدی بر من ، مجازات خواهد کرد .

ص: ۸۴

تاریخ الطبری عن جندب: لَمَا بَلَغَ عَلِيًّا مُصَابُ بَنِي نَاجِيَةَ وَقَتْلُ صَاحِبِهِمْ ، قَالَ : هَوَتْ أُمُّهُ ! مَا كَانَ أَنْقَصَ عَقْلَهُ ، وَأَجْرَاهُ عَلَى رَبِّهِ ! فَإِنَّ جَائِيَا جَاءَنِي مَرَّةً فَقَالَ لِي : فِي أَصْحَابِكَ رِجَالٌ قَدْ خَشِيتُ أَنْ يُفَارِقوكَ ، فَمَا تَرَى فِيهِمْ ؟ فَقُلْتُ لَهُ : إِنِّي لَا أَخُذُ عَلَى التُّهْمَةِ ، وَلَا أَعَاقِبُ عَلَى الظَّنِّ ، وَلَا أَقَاتِلُ إِلَّا مَنْ خَالَفَنِي وَنَاصِيَ بَنِي وَأَظْهَرَ لِي الْعِدَاوَةَ ، وَلَسْتُ مُقَاتِلَهُ حَتَّى أَدْعُوهُ وَأَعِذِرَ إِلَيْهِ ، فَإِنْ تَابَ وَرَجَعَ إِلَيْنَا قَبِلْنَا مِنْهُ ، وَهُوَ أَخُونَا ، وَإِنْ أَبِي إِلَّا الْإِعْتِرَامَ عَلَى حَرْبِنَا اسْتَعْنَا عَلَيْهِ اللَّهُ ، وَنَاجِزْنَا ، فَكَفَّ عَنِّي مَا شَاءَ اللَّهُ . ثُمَّ جَاءَ نَيْمَرَةَ أُخْرَى فَقَالَ لِي : قَدْ خَشِيتُ أَنْ يُفْسِدَ عَلَيْكَ عَبْدُ اللَّهِ بْنِ وَهَبِ الرَّاسِبِيُّ وَزَيْدُ بْنُ حُصَيْنٍ ، إِنِّي سَمِعْتُهُمَا يَذْكُرَانِكَ بِأَشْيَاءَ لَوْ سَمِعْتَهَا لَمْ تُفَارِقَهُمَا عَلَيْهَا حَتَّى تَقْتُلَهُمَا أَوْ تُؤَبِّقَهُمَا ، فَلَا تُفَارِقَهُمَا مِنْ حَبْسِكَ أَبَدًا . فَقُلْتُ : إِنِّي مُسْتَشِيرُكَ فِيهِمَا ، فَمَاذَا تَأْمُرُنِي بِهِ ؟ قَالَ : فَإِنِّي آمُرُكَ أَنْ تَدْعُو بِهِمَا ، فَتَضْرِبَ رِقَابَهُمَا ، فَعَلِمْتُ أَنَّهُ لَا وَرَعَ وَلَا عَاقِلٌ ، فَقُلْتُ : وَاللَّهِ مَا أَظُنُّكَ وَرِعًا ، وَلَا عَاقِلًا نَافِعًا ، وَاللَّهِ لَقَدْ كَانَ يَنْبَغِي لَكَ لَوْ أَرَدْتُ قَتْلَهُمْ أَنْ تَقُولَ : اتَّقِ اللَّهَ ، لِمَ تَسْتَحِلُّ قَتْلَهُمْ وَلَمْ يَقْتُلُوا أَحَدًا ، وَلَمْ يُنَابِذوكَ ، وَلَمْ يَخْرُجُوا مِنْ طَاعَتِكَ ؟ (۱)

۱- .. تاریخ الطبری : ج ۵ ص ۱۳۱ ، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید : ج ۳ ص ۱۴۸ عن حبیب ؛ الغارات : ج ۱ ص ۳۷۱ وفيهما «توثقهما» بدل «توبقهما» وكلاهما نحوه .

ص: ۸۵

تاریخ الطبری به نقل از جندب: وقتی گزارش سُبُک سری بنی ناجیه و کشته شدن بزرگشان به علی علیه السلام رسید، فرمود: «مادرش بمیرد! چه قدر کم خرد و جسور بر خداوند بود! یک بار کسی نزد من آمد و به من گفت: در میان یاران مردانی هستند که می ترسم از تو کناره گیرند. درباره آنان چه نظری داری؟ به وی گفتم: من بر پایه اتهام، مجازات نمی کنم و بر پایه گمان، کیفر نمی دهم، و جز با کسی که با من مخالفت ورزیده و دشمنی کرده و عداوتش را آشکار ساخته است، نبرد نمی کنم، و تا او را دعوت نکنم و برایش عذر (دلیل) نیاورم، نبرد کننده با او نخواهم بود. پس اگر توبه کرد و به سوی ما بازگشت، از او می پذیریم و او برادر ماست، و اگر سر باز زد و جز نبرد با ما نخواست، از خداوند بر او مدد جوئیم و با او پیکار کنیم. پس آنچه را خدا خواهد از من دور سازد. بار دیگر نزد من آمد و گفت: می ترسم که عبد الله بن وهب راسبی و زید بن حصین، کار را بر تو تباہ کنند. شنیدم که نسبت به تو چیزهایی می گویند که اگر بشنوی، رهاتشان نمی کنی، مگر آن که آنها را بکشی یا کیفر دهی. پس هیچ گاه آنان را از زندان، رها مساز. گفتم: درباره آنان با تو مشورت می کنم. تو چه پیشنهاد می کنی؟ گفت: من پیشنهاد می کنم آنها را فراخوانی و گردنشان را بزنی. در این هنگام، دانستم که او نه پرهیزگار است و نه خردمند. گفتم: به خدا سوگند، گمان نبرم پارسا و خردمندی سودرسان باشی. به خدا سوگند، سزاوار بود که اگر می خواستم آنان را بکشم، بگویی: از خدا پروا کن؛ چرا خونشان را حلال می دانی با آن که کسی را نکشته اند و با تو به جنگ برنخاسته اند و از طاعت بیرون نرفته اند؟».

ص: ۸۶

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَيِّلًا لِقَوْلِ النَّاسِ بِالْكَوْفَةِ: يَا أَهْلَ الْكَوْفَةِ، أَتَرُونَنِي لَا أَعْلَمُ مَا يُصْلِحُكُمْ؟! بَلَى، وَلَكِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أُصْلِحُكُمْ بِفَسَادِ نَفْسِي. (۱)

الغارات في خبر مفارقة الخزي بن راشد (وهو من الخوارج) أمير المؤمنين عليه السلام: قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ قَعِينٍ: ... أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا سَمِعْتُ مِنَ الْخَزِيَّةِ وَمَا قُلْتُ لِابْنِ عَمِّهِ وَمَا رَدَّ عَلَيَّ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَعُهُ، فَإِنْ قَبِلَ الْحَقَّ وَرَجَعَ عَرَفْنَا ذَلِكَ لَكَ وَقَبْلَانَا مِنْهُ؛ وَإِنْ أَبِي طَلْبَانَا. فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَلِمَ لَا تَأْخُذُهُ الْآنَ فَتَسْتَوْتِقَ مِنْهُ؟ فَقَالَ: إِنَّا لَوْ فَعَلْنَا هَذَا لِكُلِّ مَنْ نَتَّهِمُهُ مِنَ النَّاسِ مَلَأْنَا السُّجُونَ مِنْهُمْ، وَلَا أَرَانِي يَسْعَى الْوُثُوبُ عَلَى النَّاسِ وَالْحَبْسُ لَهُمْ وَعُقُوبَتُهُمْ حَتَّى يُظْهِرُوا لَنَا الْخِلَافَ. (۲)

راجع: موسوعه الإمام علی علیه السلام: ج ۴ ص ۴۳ (الفصل التاسع / خروج الخزی بن راشد).

۱-.. الأمالی للمفید: ص ۲۰۷ ح ۴۰ عن هشام، بحار الأنوار: ج ۴۱ ص ۱۱۰ ح ۱۸.

۲-.. الغارات: ج ۱ ص ۳۳۳ و ص ۳۳۵، بحار الأنوار: ج ۳۳ ص ۴۰۷ ح ۶۲۸؛ شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید: ج ۳ ص ۱۲۹

ص: ۸۷

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب که درود خدا بر او باد، در کوفه به مردم می فرمود: «ای مردم کوفه! آیا گمان می کنید نمی دانم چگونه شما را به راه آورم؟ چرا؛ ولیکن خوش ندارم که شما را با بهای تباه کردن خویش، به راه آورم»

الغارات در گزارش کناره گیری خزیت بن راشد، یکی از خوارج از امیر مؤمنان: عبد الله بن قعین گوید: ... نزد امیر مؤمنان آمدم و آنچه درباره خزیت شنیده بودم و آنچه به پسرعمویش گفته بودم و آنچه را وی پاسخ داده بود، به علی گزارش دادم. فرمود: «او را رها کن. اگر حق را پذیرفت و بازگشت، او را بدین امر بشناسیم و از او بپذیریم، و اگر سر باز زد، او را بخواهیم». گفتم: ای امیر مؤمنان! چرا الان او را نمی گیری تا از او وثیقه بستانی [و از شر او اطمینان حاصل کنی]؟ فرمود: «اگر با هر کسی که او را متهم می کنیم، چنین رفتار کنیم، باید زندان ها را از آنان پر سازیم و معتقد نیستم که حمله به مردم و زندان کردن و کیفر دادن آنها روا باشد، مگر آن که مخالفت با ما را آشکار سازند».

ر. ک: دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام: ج ۶ ص ۵۰۹ (شورش خزیت بن راشد).

ص: ۸۸

۳ / ۱۹ التَّحذِيرُ مِنَ التَّعْذِيبِ بِالْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ ضَرَبَ رَجُلًا سَوْطًا ظُلْمًا ، ضَرَبَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِسَوْطٍ مِنْ نَارٍ . (۱)

عنه عليه السلام : أَبْغَضُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ جَرَّدَ ظَهْرَ مُسْلِمٍ بِغَيْرِ حَقٍّ ، وَمَنْ ضَرَبَ فِي غَيْرِ حَقٍّ مَنْ لَمْ يَضْرِبْهُ أَوْ قَتَلَ مَنْ لَمْ يَقْتُلْهُ . (۲)

عنه عليه السلام من كتابه إلى أمراء الخراج : لَوْ لَمْ يَكُنْ فِيمَا نُهِيَ عَنْهُ مِنَ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ عِقَابٌ يُخَافُ ، كَانَ فِي ثَوَابِهِ مَا لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ بِتَرْكِ طَلَبَتِهِ ، فَارْحَمُوا تُرْحَمُوا ، وَلَا تُعْذَبُوا خَلَقَ اللَّهُ وَلَا تُكَلَّفُوهُمْ فَوْقَ طَاقَتِهِمْ . (۳)

عنه عليه السلام : أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنِّي دَعَوْتُكُمْ إِلَى الْحَقِّ فَتَوَلَّيْتُمْ عَنِّي ، وَضَرَبْتُمْ بِالْدَّرِّهِ فَمَا عَيْتُمُونِي . أَمَا إِنَّهُ سَيَلِيكُمْ بَعْدِي وَوَلَاةٌ لَا يَرْضَوْنَ مِنْكُمْ بِهَذَا حَتَّى يُعَذِّبُوكُمْ بِالسَّيْطِ وَالْحَدِيدِ ، فَأَمَّا أَنَا فَلَا أُعَذِّبُكُمْ بِهِمَا ؛ إِنَّهُ مَنْ عَذَّبَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا عَذَّبَهُ اللَّهُ فِي الْآخِرَةِ . (۴)

- ۱- .. دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۵۴۱ ح ۱۹۲۷ ، مستدرک الوسائل : ج ۹ ص ۱۴۸ ح ۱۰۵۱۵ .
- ۲- .. دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۴۴۴ ح ۱۵۵۱ ، تهذيب الأحكام : ج ۱۰ ص ۱۴۸ ح ۵۸۸ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله وليس فيه «ومن ضرب في غير ...» .
- ۳- .. وقعه صفين : ص ۱۰۸ ، نهج البلاغه : الكتاب ۵۱ نحوه ؛ المعيار والموازنه : ص ۱۲۲ .
- ۴- .. الغارات : ج ۲ ص ۴۵۸ عن زيد بن علي بن أبي طالب ، الإرشاد : ج ۱ ص ۳۲۲ وليس فيه «فأما أنا فلا أعذبكم بهما»؛ شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ج ۲ ص ۳۰۶ عن زيد بن علي .

۳ / ۹ پرهیزانندن از شکنجه

۳ / ۹ پرهیزانندن از شکنجه‌امام علی علیه السلام: آن که به شخصی از روی ستم تازیانه ای زند ، خداوند تبارک و تعالی او را به تازیانه آتشین خواهد زد .

امام علی علیه السلام: دشمن ترین بنده نزد خداوند عز و جل ، کسی است که پشتِ مسلمانی را به ناحق برهنه کند ، و کسی را که او را نزده است ، به ناحق کتک زند ، و کسی را که قصد کشتن او را نداشته است ، بکشد .

امام علی علیه السلام از نامه اش به مأموران خراج (مالیات): اگر برای ستم و بیداد که از آن نهی شده ، کیفری که از آن ترسند ، نبود ، پاداشی که در پرهیز از ستم است ، عذری برای رها کردن [خواستہ او] نمی گذارد . پس رحم کنید تا به شما رحم شود ، بندگان خدا را شکنجه نکنید و بیش از توانشان بر آنان تکلیف مکنید .

امام علی علیه السلام: ای مردم! شما را به حق فرا خواندم ، از من رو گردانید ، و با تازیانه شما را زدم ، خسته ام گردید . بدانید که پس از من زمامدارانی بر شما حکم رانند که از شما بدین کار ، خشنود نشوند ، مگر آن که با تازیانه و آهن ، شما را شکنجه کنند ؛ و اما من ، شما را با تازیانه و آهن شکنجه نمی کنم ؛ چرا که هرکس مردم را در دنیا شکنجه کند ، خداوند او را در آخرت ، شکنجه خواهد کرد .

ص: ۹۰

مسند زید بن علی عن زید بن علی عن جده عن الإمام علی علیه السلام أنه قال لِعَمْرٍ فِي امْرَأَةٍ حَامِلٍ اعْتَرَفَتْ بِالْفُجُورِ فَأَمَرَ بِهَا أَنْ تُرْجَمَ: فَلَعَلَّكَ انْتَهَرْتَهَا أَوْ أَخَفْتَهَا؟ قَالَ: قَدْ كَانَ ذَلِكَ، فَقَالَ: أَوْ مَا سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: لَا حَيْدَ عَلَى مُعْتَرِفٍ بَعْدَ بَلَاءٍ، إِنَّهُ مَنْ قِيدَتْ أَوْ حَبَسَتْ أَوْ تَهَيَّدَتْ فَلَا إِقْرَارَ لَهُ. قَالَ: فَخَلَّى عُمَرُ سَبِيلَهَا، ثُمَّ قَالَ: عَجَزَتِ النِّسَاءُ أَنْ تَلِدَ مِثْلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، لَوْلَا عَلِيُّ لَهَلَكَ عُمَرُ. (۱)

الإمام علی علیه السلام من حُطْبِهِ لَهُ فِي أَوَائِلِ خِلَافَتِهِ: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ حَرَامًا غَيْرَ مَجْهُولٍ، وَأَحْرَلَ حَلَالًا غَيْرَ مَدْخُولٍ، وَفَضَّلَ حُرْمَةَ الْمُسْلِمِ عَلَى الْحُرْمِ كُلِّهَا، وَشَدَّ بِالْإِخْلَاصِ وَالتَّوْحِيدِ حُقُوقَ الْمُسْلِمِينَ فِي مَعَاقِدِهَا، «فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ» إِلَّا بِالْحَقِّ، وَلَا يَحِلُّ أذى الْمُسْلِمِ إِلَّا بِمَا يَجِبُ. (۲)

۱-.. مسند زید: ص ۳۳۵، كشف اليقين: ص ۷۳ ح ۵۵، كشف الغممه: ج ۱ ص ۱۱۳؛ ذخائر العقبی: ص ۱۴۶ وليس فيه «ثم قال...»، المناقب للخوارزمی: ص ۸۱ ح ۶۵.

۲-.. نهج البلاغه: الخطبه ۱۶۷، بحار الأنوار: ج ۳۲ ص ۴۰ ح ۲۶.

ص: ۹۱

مسند زید به نقل از زید بن علی ، از پدرش ، از جدش درباره امام علی علیه السلام : به درستی که او (علی علیه السلام) به عمر درباره زن حامله ای که اعتراف به زنا کرده بود و عمر دستور داده بود سنگسار شود ، گفت : «شاید بر سرش فریاد کشیده ای یا او را ترسانده ای؟» . گفت : چنین بود . فرمود : «آیا از پیامبر خدا نشنیدی که می فرمود " : بر اعتراف کننده ، پس از شکنجه حدی نیست ؟ به درستی که آن که را در بند کشی یا زندان کنی ، یا تهدید کنی ، اقرارش [ارزش] ندارد» . " عمر ، زن را آزاد کرد . سپس گفت : زنان ، ناتوان اند که فرزندی مانند علی بن ابی طالب بزایند . اگر علی نبود ، هر آینه عمر هلاک می شد .

امام علی علیه السلام از سخنرانی اش در آغاز خلافت : خدا حرامی را حرام کرده که ناشناخته نیست ، و حلالی را حلال کرده که از عیب خالی است ، و حرمت مسلمان را بر دیگر حرمت ها برتری داده است ، و حقوق مسلمانان را با اخلاص و یگانه پرستی پیوند داده است . پس مسلمان ، کسی است که مسلمانان ، از دست و زبان او آزاری نینند ، جز آن که برای حق باشد ؛ و آزار مسلمانان روا نیست ، مگر آن جا که واجب شود .

ص: ۹۲

۱۰ / ۳ النَّهْيُ عَنِ السَّبْوِقَةِ صَفَيْنَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَرِيكَ : خَرَجَ حُجْرُ بْنُ عَدِيٍّ وَعَمْرُو بْنُ الْحَمِقِ يُظْهِرَانِ الْبِرَاءَةَ وَاللَّعْنَ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ ، فَأَرْسَلَ إِلَيْهِمَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنْ كُفَّا عَمَّا يَبْلُغُنِي عَنْكُمْ . فَأَتِيَاهُ فَقَالَا : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَلَسْنَا مُحَقِّقِينَ ؟ قَالَ : بَلَى . قَالَا : أَوْ لَيْسُوا مُبْطِلِينَ ؟ قَالَ : بَلَى . قَالَا : فَلِمَ مَنَعْتَنَا مِنْ شَتْمِهِمْ ؟ قَالَ : كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا لِعَانِينَ شَتَامِينَ ، تَشْتَمُونَ وَتَتَبَرَّؤُونَ ، وَلَكِنْ لَوْ وَصَفْتُمْ مَسَاوِيَّ أَعْمَالِهِمْ فَقُلْتُمْ : مِنْ سِيرَتِهِمْ كَذَا وَكَذَا ، وَمِنْ عَمَلِهِمْ كَذَا وَكَذَا ، كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ ، وَأَبْلَغَ فِي الْعِذْرِ . وَلَوْ قُلْتُمْ مَكَانَ لَعْنِكُمْ إِيَّاهُمْ وَبِرَاءَتِكُمْ مِنْهُمْ : اللَّهُمَّ احْقِنِ دِمَاءَنَا وَدِمَاءَهُمْ ، وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَبَيْنَهُمْ ، وَاهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ ، حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْهُمْ مِنْ جَهْلِهِ ، وَيَرْعَوْا عَنِ الْعَيِّ وَالْعِيدَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ ، كَانَ هَذَا أَحَبَّ إِلَيَّ وَخَيْرًا لَكُمْ . فَقَالَا : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، نَقَبَلُ عِظَتَكَ ، وَنَتَأَدَّبُ بِأَدْبِكَ. (۱)

۱- .. وقعه صفین : ص ۱۰۳ ، بحار الأنوار : ج ۳۲ ص ۳۹۹ ح ۳۶۹ ۳۷۳ وراجع : نهج البلاغه : الخطبه ۲۰۶ والأخبار الطوال : ص ۱۶۵ .

۳ / ۱۰ پرهیزانند از دشنام

۳ / ۱۰ پرهیزانند از دشناموقعه صفین به نقل از عبد الله بن شریک : حجر بن عدی و عمرو بن حمق بیرون شدند ، در حالی که براءت و لعن بر شامیان را آشکار می کردند . علی علیه السلام به آنان پیغام داد که از آنچه به من خبر رسیده ، خودداری کنید . آن دو نزد علی علیه السلام آمدند و گفتند : ای امیرمؤمنان! مگر ما برحق نیستیم؟ فرمود : «چرا» . گفتند : مگر آنان بر باطل نیستند؟ فرمود : «چرا» . گفتند : پس چرا ما را از دشنام دادن آنان ، باز داشتی؟ فرمود : «دوست نداشتم شما جزو لعن کننده ها و دشنام دهنده ها باشید که دشنام بدهید و براءت بجویید ؛ اما اگر بدی های رفتاری آنان را بازگو می کردید و می گفتید " : روش آنان چنین است و رفتارشان چنان است ، " به سخن حق ، نزدیک تر بود و در عذرآوری ، رساتر ؛ و اگر به جای لعن آنان و براءت جستن از آنها می گفتید " : بار خدایا! خون ما و آنان را حفظ کن ، میان ما و آنان را اصلاح کن و آنان را از گمراهی برهان ، تا آن که حق را نمی داند ، بشناسد و آن که به گمراهی و دشمنی آزمند است ، از آن باز ایستد ، " این ، نزد من دوست داشتنی تر بود و برای شما بهتر» . آن دو گفتند : ای امیر مؤمنان! پندت را می پذیریم و به ادب تو مؤدب می شویم .

الإمام علی علیه السلام : لا تَشْنِ (۱) عَدُوَّكَ وَإِنْ شَانَكَ . (۲)

۳ / ۱۱ الرِّفْقُ مَا لَمْ يَكُنْ تَأْمُرُ الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الرِّفْقُ يَفْلُ حَدَّ الْمُخَالَفَةِ . (۳)

عنه عليه السلام في الحِكمِ الْمَنسُوبَةِ إِلَيْهِ : قَارِبَ عَدُوَّكَ بَعْضَ الْمُقَارَبَةِ تَنَلُ حَاجَتَكَ ، وَلَا تُفْرِطُ فِي مُقَارَبَتِهِ فَتُدَلَّ نَفْسَكَ وَنَاصِرَكَ ، وَتَأْمَلُ حَالَ الْخَشْبَةِ الْمَنصُوبَةِ فِي الشَّمْسِ الَّتِي إِنْ أَمَلَتْهَا زَادَ ظِلُّهَا ، وَإِنْ أَفْرَطْتَ فِي الْإِمَالَةِ نَقَصَ الظِّلُّ . (۴)

تاریخ الطبری عن عبد الملک بن أبی حُرّة الحنفی : أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَ ذَاتَ يَوْمٍ يَخْطُبُ ، فَإِنَّهُ لَفِيَ خُطْبَتِهِ إِذْ حَكَمَتِ الْمُحَكَّمَةُ فِي جَوَائِبِ الْمَسْجِدِ . فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اللَّهُ أَكْبَرُ ! كَلِمَةُ حَقٍّ يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ ! إِنْ سَيَّكْتُوا عَمَمَنَاهُمْ (۵) ، وَإِنْ تَكَلَّمُوا حَجَجْنَاهُمْ ، وَإِنْ خَرَجُوا عَلَيْنَا قَاتَلْنَاهُمْ . (۶)

۱- .. الشَّيْنُ : الْعَيْبُ (لسان العرب : ج ۱۳ ص ۲۴۴ «شین»).

۲- .. غرر الحکم : ج ۶ ص ۳۳۹ ح ۱۰۴۱۸ ، عیون الحکم والمواعظ : ص ۵۱۹ ح ۹۴۲۶ .

۳- .. غرر الحکم : ج ۱ ص ۱۵۰ ح ۵۶۰ .

۴- .. شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید : ج ۲۰ ص ۳۴۲ ح ۹۲۳ .

۵- .. لعله من قولهم : عَمَمَنَاهُ أَمَرْنَا ؛ أَى الزَّمَنَاهُ (لسان العرب : ج ۱۲ ص ۴۲۷ «عمم»).

۶- .. تاریخ الطبری : ج ۵ ص ۷۲ ، الکامل فی التاریخ : ج ۲ ص ۳۹۸ ، أنساب الأشراف : ج ۳ ص ۱۳۵ ولس فيه «وإن خرجوا...» وفيهما «غممناهم» بدل «عممناهم» .

۳ / ۱۱ نرم خوئی تا زمانی که توطئه در کار نباشد

امام علی علیه السلام: از دشمنت عیبجویی مکن، گرچه او از تو عیبجویی کند.

۳ / ۱۱ نرم خوئی تا زمانی که توطئه در کار نباشد امام علی علیه السلام: نرم خوئی، تیزی مخالفت را کند سازد.

امام علی علیه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان: به دشمنت، اندازه‌ای نزدیک شو که به خواسته‌ات برسی، و در نزدیکی به او زیاده روی منما تا خود و یاورت را خوار سازی. در چوبی که در برابر خورشید نصب شده، بنگر. اگر آن را مایل کنی، سایه اش بسیار شود و اگر در مایل کردن زیاده روی کنی، سایه کم گردد.

تاریخ الطبری به نقل از عبد الملک بن ابی حزه حنفی: علی علیه السلام روزی برای ایراد سخنرانی بیرون رفت. او در حال سخنرانی بود که خوارج، در گوشه‌های مسجد، شعار «لا حکم الا لله؛ حکمرانی جز برای خداوند نیست!»، سر دادند. علی علیه السلام فرمود: «الله اکبر! سخن حقی است که از آن، باطل اراده می‌شود. اگر ساکت شوند، با آنان مانند دیگران برخورد می‌کنیم، و اگر سخن گویند، با آنان احتجاج می‌ورزیم، و اگر بر ما خروج کنند، با آنان پیکار خواهیم کرد».

السنن الكبرى عن كثير بن نمر: بينا أنا في الجُمُعَةِ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْمَيْتَرِ، إِذْ قَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ. ثُمَّ قَامَ آخَرُ فَقَالَ: لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ، ثُمَّ قَامُوا مِنْ نَوَاحِي الْمَسْجِدِ، فَأَشَارَ إِلَيْهِمْ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ: اجْلِسُوا، نَعَمْ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ، كَلِمَةٌ يُبْتَغَى بِهَا بَاطِلٌ، حُكْمَ اللَّهِ نَنْظُرُ فِيكُمْ، أَلَا إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي ثَلَاثَ خِصَالٍ: مَا كُنْتُمْ مَعَنَا لَا نَمْنَعُكُمْ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ تَذْكُرُوا فِيهَا اسْمَ اللَّهِ، وَلَا نَمْنَعُكُمْ فِينَا مَا كَانَتْ أَيْدِيكُمْ مَعَ أَيْدِينَا، وَلَا نَقَاتِلُكُمْ حَتَّى تُقَاتِلُوا. ثُمَّ أَخَذَ فِي خُطْبَتِهِ. (۱)

الأموال عن كثير بن نمر: جاء رجل برجل (۲) من الخوارج إلى علي عليه السلام، فقال: يا أمير المؤمنين، إني وجدت هذا يسببك، قال: فسبته كما سبني. قال: ويتوعدك؟ فقال: لا أقتل من لم يقتلني، قال علي عليه السلام: لهم علينا ثلاث: أن لا نمنعهم المساجد أن يذكروا الله فيها، وأن لا نمنعهم الفياء ما دامت أيديهم مع أيدينا، وأن لا نقاتلهم حتى يقاتلونا. (۳)

المصنف لابن أبي شيبه عن كثير بن نمر: جاء رجل برجال إلى علي عليه السلام فقال: إني رأيت هؤلاء يتوعدونك، ففرروا وأخذت هذا، قال: أفاقتل من لم يقتلني؟ قال: إنه سبك! قال: سبته أو دع. (۴)

راجع: موسوعه الإمام علي عليه السلام: ج ۳ ص ۶۴۵ (صبر الإمام على أذاهم ورفقه بهم).

۱-.. السنن الكبرى: ج ۸ ص ۳۱۹ ح ۱۶۷۶۳، تاريخ الطبري: ج ۵ ص ۷۳ عن كثير بن بهز الحضرمي، الكامل في التاريخ: ج ۲ ص ۳۹۸، البدايه والنهائيه: ج ۷ ص ۲۸۵ كلها نحوه.

۲-.. في المصدر: «الرجل» وهو تصحيف.

۳-.. الأموال: ص ۲۴۵ ح ۵۶۷، كنز العمال: ج ۱۱ ص ۳۰۰ ح ۳۱۵۶۹.

۴-.. المصنف لابن أبي شيبه: ج ۸ ص ۶۱۴ ح ۱۴۷، كنز العمال: ج ۱۱ ص ۳۱۹ ح ۳۱۶۱۶.

ص: ۹۷

السنن الکبری به نقل از کثیر بن نمر: در حالی که در نماز جمعه بودم و علی علیه السلام بر منبر بود، مردی به پا خاست و گفت: «لا- حکم الا لله؛ حکمرانی جز برای خداوند نیست!». مردی دیگر هم به پا خاست و گفت: «لا حکم الا لله!». آن گاه خوارج از گوشه های مسجد، به پا خاستند. علی علیه السلام با دست به آنان اشاره کرد که بنشینند [و فرمود: «آری؛ لا حکم الا لله! سخنی که از آن، باطل طلب می شود. بر پایه حکم خداوند به شما می نگریم. بدانید که برای شما نزد من، سه ویژگی است: تا زمانی که با ما هستید، شما را از مساجد خداوند باز نداریم که در آن، نام خدا را بر زبان آورید؛ و تا زمانی که دستان شما با دستان ماست، شما را از ثروت های عمومی محروم نسازیم؛ و با شما پیکار نکنیم، مگر آن که نبرد کنید». آن گاه به ادامه خطبه پرداخت

الأموال به نقل از کثیر بن نمر: مردی، مردی از خوارج را نزد علی علیه السلام آورد و گفت ای امیر مؤمنان! دیدم که این مرد، تو را دشنام می دهد. فرمود: «به او دشنام ده، همان گونه که به من دشنام داد». گفت: تو را دوزخی می انگاشت! فرمود: «آن را که با من پیکار نکنند، نمی کشم». [سپس] فرمود: «آنها بر ما سه حق دارند: آنان را از مساجد، باز نداریم، که در آن یاد خدا کنند؛ و آنان را از ثروت های عمومی باز نداریم، تا زمانی که دستان آنان با دست های ماست؛ و با آنان پیکار نکنیم، تا زمانی که با ما پیکار نکنند».

المصنّف، ابن ابی شیبّه به نقل از کثیر بن نمر: مردی، مردی [دیگر] را نزد علی علیه السلام آورد و گفت: اینان، تو را دوزخی می انگاشتند! سپس فرار کردند. و این [مرد] را گرفتم. فرمود: «آیا بکشم آن که را با من پیکار نکرده است؟». گفت: تو را دشنام داد! فرمود: «او را دشنام ده یا رها کن».

ر. ک: دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام: ج ۶ ص ۴۱۹ (شکیبایی امام بر آزار خوارج و مدارا با ایشان).

ص: ۹۸

۳ / ۱۲ اجلاء المتأمرین أو حبسهم مشرح نهج البلاغه: قد روى أن عمران بن الحصين كان من المنحرفين عنه عليه السلام، وأن علياً عليه السلام سيّره إلى المدائن، وذلك أنه كان يقول: إن مات علي فلا أدري ما موته، وإن قتل فعسى أني إن قتل رجوت له. (۱)

الغارات عن سعيد الأشعرى: استخلف علي عليه السلام حين سار إلى النهروان رجلاً من النخع يقال له: هاني بن هودّه، فكتب إلى علي عليه السلام: إن عتياً وباهله فتنا، فدعوا الله عليك أن يظفر بك عدوك، قال: فكتب إليه علي عليه السلام: أجلبهم من الكوفه ولا تدع منهم أحداً. (۲)

تاريخ الطبری عن المجل بن خليفه: إن رجلاً منهم من بني سدوس يقال له العيزار بن الأحنس كان يرى رأى الخوارج، خرج إليهم، فاستقبل وراء المدائن عدي بن حاتم ومعه الأسود بن قيس والأسود ابن يزيد المراديان، فقال له العيزار حين استقبله: أسالم غانم، أم ظالم آثم؟ فقال عدي: لا، بل سالم غانم، فقال له المراديان: ما قلت هذا إلا لشر في نفسك، وإنتك لتعرفك يا عيزار برأى القوم، فلا تفارقنا حتى نذهب بك إلى أمير المؤمنين فنخبره خبرك. فلم يكن بأوشك أن جاء علي فأخبره خبره، وقال: يا أمير المؤمنين، إنّه يرى رأى القوم، قد عرفناه بذلك. فقال: ما يحل لنا دمه، ولكننا نحسبه. فقال عدي بن حاتم: يا أمير المؤمنين، ادفعه إلّي وأنا أضمن ألاً يأتيك من قبله مكروه. فدفعه إليه. (۳)

۱-.. شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ج ۴ ص ۷۷.

۲-.. الغارات: ج ۱ ص ۱۸، بحار الأنوار: ج ۳۳ ص ۳۵۶ ح ۵۸۸.

۳-.. تاريخ الطبری: ج ۵ ص ۸۹.

۳ / ۱۲ تبعید یا زندانی کردن توطئه گران

۳ / ۱۲ تبعید یا زندانی کردن توطئه گران شرح نهج البلاغه : گزارش شده که عمران بن حُصَین ، از کناره گیران از علی علیه السلام بود و علی علیه السلام او را به مدائن تبعید کرد ؛ چرا که می گفت : اگر علی بمیرد ، نمی دانم مرگش چگونه است؟! و اگر کشته شود که امید داریم کشته شود ، برایش امیدوارم [که اهل نجات باشد]!

الغارات به نقل از سعید اشعری : علی علیه السلام هنگام حرکت به سوی نهروان ، مردی از قبیله نخع را جانشین کرد که نامش هانی بن هوذه بود . وی به علی علیه السلام نامه نوشت که [دو گروه] غنی و باهله ، فتنه کرده اند و دعا کرده اند که دشمنت پیروز گردد . علی علیه السلام به او نوشت : «آنان را از کوفه بیرون کن و هیچ یک از آنان را رها مکن» .

تاریخ الطبری به نقل از محلّ بن خلیفه : مردی از قبیله بنی سدوس که نامش عَیزار بن اخنس بود و به باورهای خوارج اعتقاد داشت ، به سمت آنان حرکت کرد . در بیرون مدائن، با عدی بن حاتم رو به رو شد که همراهش اسود بن قیس مرادی و اسود بن یزید مرادی بودند . عیزار ، وقتی با عدی روبه رو شد ، گفت : آیا سالم بهره بری یا ستمگر گنهکار؟ عدی گفت : سالم بهره بر . آن دو مرادی گفتند : این سخن را نگفتی ، مگر به جهت شری که در باطن داری . به درستی که ما می دانیم که عقیده خوارج را داری ای عیزار! از ما جدا نمی شوی تا تو را نزد امیر مؤمنان ببریم و اخبارت را به وی گزارش دهیم . زمانی نگذشت که علی علیه السلام آمد و آن دو خبر را به وی گزارش کردند و گفتند : ای امیر مؤمنان! او بر اعتقاد خوارج است . ما او را می شناسیم . فرمود : «خونش بر ما حلال نیست ؛ اما او را زندان می کنیم» . عدی بن حاتم گفت : ای امیر مؤمنان! او را به من سپار و من ضمانت می کنم که از ناحیه او به شما آسیبی نرسد . علی علیه السلام او را به عدی سپرد .

ص: ۱۰۰

..

ص: ۱۰۱

..

ص: ۱۰۲

..

ص: ۱۰۳

فهرست منابع و مآخذ

فهرست منابع و مآخذ ۱. الأخبار الطوال ، أحمد بن داوود الدینوری (م ۲۸۲ ق) ، تحقیق : عبد المنعم عامر ، قم : الشریف الرضی ، ۱۴۰۹ ق ، اول . ۲. الاختصاص ، المنسوب إلى محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م ۴۱۳ ق) ، تحقیق : علی أكبر الغفاری ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۴۱۴ ق ، چهارم . ۳. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد ، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م ۴۱۳ ق) ، تحقیق : مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، ۱۴۱۳ ق ، اول . ۴. اعلام الدین فی صفات المؤمنین ، الحسن بن محمد الدیلمی (م ۷۱۱ ق) ، تحقیق : مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت علیهم السلام . ۵. اعلام الوری بأعلام الهدی ، الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) ، تحقیق : مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، ۱۴۱۷ ق ، اول . ۶. الإقبال بالأعمال الحسنه فی ما یعمل مرّه فی السنه ، علی بن موسی الحلّی (السید ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق) ، تحقیق : جواد القیومی ، قم : مکتب الإعلام الإسلامی ، ۱۴۱۴ ق ، اول . ۷. الأمالی ، محمد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م ۴۶۰ ق) ، تحقیق : مؤسسه البعثه ، قم : دار الثقافه ، ۱۴۱۴ ق ، اول . ۸. الأمالی ، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م ۴۱۳ ق) ، تحقیق : حسین أستاذ ولی و علی أكبر الغفاری ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۴۰۴ ق ، دوم .

ص: ۱۰۴

۹. الأموال، القاسم بن سلام الهَرَوِي (م ۲۲۴ ق)، تحقيق: محمّد خليل هراس، بيروت: دار الكتب العلميّه، ۱۴۰۶ ق، أوّل. ۱۰.
- انساب الأشراف، أحمد بن يحيى البلاذري (م ۲۷۹ ق)، تحقيق: سهيل زكّار و رياض زركلي، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۷ ق، أوّل.
۱۱. بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمّه الأطهار عليهم السلام، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى (العلّامه المجلسى) (م ۱۱۱۱ ق)، بيروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق، دوم. ۱۲. البدايه و النهايه، إسماعيل بن عمر الدمشقى (ابن كثير) (م ۷۷۴ ق)، تحقيق: مكتبه المعارف، بيروت: مكتبه المعارف. ۱۳. تاج العروس من جواهر القاموس، السيّد محمّد المرتضى بن محمّد الحسينى الزبيدى (م ۱۲۰۵ ق)، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۴ ق، أوّل. ۱۴. تاريخ اصفهان، أحمد بن عبد الله الإصفهانى (أبو نعيم) (م ۴۳۰ ق)، تحقيق: سيّد كسروى حسن، بيروت: دار الكتب العلميّه. ۱۵. تاريخ دمشق، على بن الحسن بن هبه الله الدمشقى (ابن عساکر) (م ۵۷۱ ق)، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۵ ق، أوّل. ۱۶. تاريخ الطبرى (تاريخ الأمم و الملوك)، محمّد بن جرير الطبرى (م ۳۱۰ ق)، تحقيق: محمّد أبو الفضل إبراهيم، مصر: دار المعارف. ۱۷. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله، الحسن بن على الحزانى (ابن شعبه) (م ۳۸۱ ق)، تحقيق: على أكبر الغفّارى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ۱۴۰۴ ق، دوم. ۱۸. تذكره الخواصّ (تذكره خواصّ الأئمّه فى خصائص الأئمّه عليهم السلام)، يوسف بن فزغلى (سبط ابن الجوزى) (م ۶۵۴ ق)، مقدمه: السيّد محمّد صادق بحر العلوم، تهران: مكتبه نينوى الحديثه. ۱۹. تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم)، إسماعيل بن عمر البصرى الدمشقى (م ۷۷۴ ق)، تحقيق: عبد العزيز غنيم و محمّد أحمد عاشور و محمّد إبراهيم البنا، قاهره: دار الشعب. ۲۰. تفسير القمى، على بن إبراهيم القمى (م ۳۰۷ ق)، به كوشش: السيّد طيب الموسوى الجزائرى، نجف: مطبعه النجف الأشرف. ۲۱. تهذيب الأحكام فى شرح المقنعه، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ۴۶۰ ق)، بيروت: دار التعارف، ۱۴۰۱ ق، أوّل.

ص: ۱۰۵

۲۲. الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، محمّد بن أحمد الأنصاری القرطبی (م ۶۷۱ ق)، تحقیق: محمّد عبد الرحمان المرعشلی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق، دوم. ۲۳. الجعفریات (الأشعثیات)، محمّد بن محمّد بن الأشعث الكوفی (ق ۴ ق)، تهران: مكتبه نینوی (طبع شده به ضمیمه: قرب الإسناد). ۲۴. جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، علی بن موسی الحلّی (السید ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقیق: السید جواد القتیومی، قم: مؤسسه الآفاق، ۱۳۷۱ ش، اول. ۲۵. الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م ۴۱۳ ق)، تحقیق: السید علی میر شریفی، قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق، اول. ۲۶. خصائص الأئمه علیهم السلام (خصائص امیر المؤمنین علیه السلام)، محمّد بن الحسین الموسوی (الشریف الرضی) (م ۴۰۶ ق)، تحقیق: محمّد هادی الأمینی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه التابع للحضرة الرضویه المقدسه، ۱۴۰۶ ق. ۲۷. الخصال، محمّد بن علی ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ ق، چهارم. ۲۸. الدروع الواقیه، علی بن موسی الحلّی (السید ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ ق، اول. ۲۹. دعائم الإسلام و ذکر الحلال والحرام والقضايا والأحكام، النعمان بن محمّد التیمی المغربي (القاضی أبو حنیفه) (م ۳۶۳ ق)، تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی، مصر: دار المعارف، ۱۳۸۹ ق، سوم. ۳۰. الدعوات، سعید بن هبه الله الراوندی (قطب الدین الراوندی) (م ۵۷۳ ق)، تحقیق: مؤسسه الإمام المهدي (عج)، قم: مؤسسه الإمام المهدي (عج)، ۱۴۰۷ ق، اول. ۳۱. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، أحمد بن عبد الله الطبری (م ۶۹۳ ق)، تحقیق: أكرم البوشی، جدّه: مكتبه الصحابه، ۱۴۱۵ ق، اول. ۳۲. روض الجنان و روح الجنان (تفسیر ابو الفتوح رازی)، حسین بن علی رازی (ابو الفتوح) (ق ۶ ق)، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش، اول. ۳۳. روضه الواعظین، محمّد بن الحسن الفّتال النیسابوری (م ۵۰۸ ق)، تحقیق: حسین الأعلمی، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۶ ق، اول.

ص: ۱۰۶

۳۴. سنن ابن ماجه ، محمد بن یزید القزوينی (ابن ماجه) (م ۲۷۵ ق) ، تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي ، بیروت : دار إحياء التراث ، ۱۳۹۵ ق ، اول. ۳۵. سنن ابی داوود ، سلیمان بن أشعث السجستاني الأزدي (م ۲۷۵ ق) ، تحقیق : محمد محبی الدین عبد الحمید ، بیروت : دار إحياء السنّه النبویه . ۳۶. السنن الكبرى ، أحمد بن الحسين البيهقي (م ۴۵۸ ق) ، تحقیق : محمد عبد القادر عطا ، بیروت : دار الكتب العلمیه ، ۱۴۱۴ ق ، اول. ۳۷. السنن الكبرى ، أحمد بن شعيب النسائي (م ۳۰۳ ق) ، تحقیق : عبد الغفار سلیمان البنداری ، بیروت : دار الكتب العلمیه ، ۱۴۱۱ ق ، اول. ۳۸. شرح أصول الكافي ، محمد صالح المازندراني (م ۱۰۸۱ق) ، تصحيح : علی عاشور ، بیروت : دار إحياء التراث العربی ، ۱۴۲۱ق . ۳۹. شرح نهج البلاغه ، عبد الحمید بن محمد المعتزلی (ابن أبی الحديد) (م ۶۵۶ ق) ، تحقیق : محمد أبو الفضل إبراهيم ، بیروت : دار إحياء التراث ، ۱۳۸۷ ق ، دوم . ۴۰. شرح نهج البلاغه ، میثم بن علی البحرانی (ابن میثم) (م ۶۸۹ق) ، بیروت : دار الآثار للنشر ، ۱۴۰۲ق . ۴۱. شرح نهج البلاغه ، عبد الحمید بن محمد المعتزلی (ابن أبی الحديد) (م ۶۵۶ ق) ، تحقیق : محمد أبو الفضل إبراهيم ، بیروت : دار إحياء التراث ، ۱۳۸۷ ق ، دوم . ۴۲. شعب الإيمان ، أحمد بن الحسين البيهقي (م ۴۵۸ ق) ، تحقیق : محمد السعيد بسيوني زغلول ، بیروت : دار الكتب العلمیه ، ۱۴۱۰ ق ، اول. ۴۳. الصحاح (تاج اللغة وصحاح العربیة) ، إسماعيل بن حماد الجوهري (م ۳۹۸ ق) ، تحقیق : أحمد بن عبد الغفور عطار ، بیروت : دار العلم للملايين ، ۱۴۱۰ ق ، چهارم . ۴۴. صحيح البخاری ، محمد بن إسماعيل البخاری (م ۲۵۶ ق) ، تحقیق : مصطفى ديب البغا ، بیروت : دار ابن كثير ، ۱۴۱۰ ق ، چهارم . ۴۵. الصحيفه السجاديّه ، المنسوب إلى الإمام علي بن الحسين عليه السلام ، تصحيح : علی أنصاريان ، دمشق : المستشاريه الثقافيه للجمهوريّه الإسلاميه الإيرانيه ، ۱۴۰۵ ق . ۴۶. علل الشرائع ، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق) ، بیروت : دار إحياء التراث ، ۱۴۰۸ ق ، اول.

ص: ۱۰۷

۴۷. عوالی اللآلی العزیزیه فی الأحادیث الیدیّه ، محمّد بن علی الأحسائی (ابن أبی جمهور) (م ۹۴۰ ق) ، تحقیق : مجتبی العراقی ، قم : مطبعه سیّد الشهداء علیه السلام ، ۱۴۰۳ ق ، اول. ۴۸. عیون اخبار الرضا علیه السلام ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق) ، تحقیق : السیّد مهدی الحسینی اللاجوردی ، تهران : جهان . ۴۹. عیون الحکم و المواعظ ، علی بن محمّد اللیثی الواسطی (ق ۶ ق) ، تحقیق : حسین الحسنی البیرجندی ، قم : دار الحدیث ، ۱۳۷۶ ش ، اول. ۵۰. الغارات ، إبراهیم بن محمّد (ابن هلال الثقفی) (م ۲۸۳ ق) ، تحقیق : میر جلال الدین المحدث الأرموی ، تهران : انجمن آثار ملی ، ۱۳۹۵ ق ، اول. ۵۱. غرر الحکم ودرر الکلم ، عبد الواحد الأمّدی التیمی (م ۵۵۰ ق) = ترجمه و شرح غرر الحکم . ۵۲. الغیبه ، محمّد بن إبراهیم الکاتب النعمانی (م ۳۵۰ ق) ، تحقیق : علی أكبر الغفّاری ، تهران : مکتبه الصدوق . ۵۳. الغیبه ، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م ۴۶۰ ق) ، تحقیق : عباد الله الطهرانی و علی أحمد ناصح ، قم : مؤسسه المعارف الإسلامیه ، ۱۴۱۱ ق ، اول. ۵۴. فلاح السائل ، علی بن موسی الحلّی (السید ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق) ، تحقیق : غلامحسین مجیدی ، قم : مکتب الإعلام الإسلامی ، ۱۴۱۹ ق ، اول. ۵۵. قصص الأنبياء ، سعید بن هبه الله (قطب الدین الراوندی) (م ۵۷۳ ق) تحقیق : غلامرضا عرفانیان ، مشهد : مجمع البحوث الإسلامیه التابع لمؤسسه الآستانه الرضویّه ، ۱۴۰۹ ق ، اول. ۵۶. الکامل فی التاریخ ، علی بن محمّد الشیبانی الموصلی (ابن الأثیر) (م ۶۳۰ ق) ، تحقیق : علی شیری ، بیروت : دار إحياء التراث العربی ، ۱۴۰۸ ق ، اول. ۵۷. کتاب من لا یحضره الفقیه ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق) ، تحقیق : علی أكبر الغفّاری ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، دوم . ۵۸. کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه ، علی بن عیسی الإربلی (م ۶۸۷ ق) ، تصحیح : السید هاشم الرسولی المحلّاتی ، بیروت : دار الکتاب ، ۱۴۰۱ ق ، اول. ۵۹. کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام ، الحسن بن یوسف الحلّی (العلّامه) (م ۷۲۶ ق) ، تحقیق : علی آل کوثر ، قم : مجمع إحياء الثقافه الإسلامیه ، ۱۴۱۱ ق ، اول.

ص: ۱۰۸

۶۰. کمال الدین و تمام النعمه ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق) ، تحقیق : علی أكبر الغفّاری ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۴۰۵ ق ، اول . ۶۱. کنز العمال فی سنن الأفعال و الأفعال ، علی الممتقی بن حسام الدین الهندی (م ۹۷۵ ق) ، تصحیح : صفوه السقا ، بیروت : مكتبة التراث الإسلامی ، ۱۳۹۷ ق ، اول . ۶۲. کنز الفوائد ، محمّد بن علی الكراجکی الطرابلسی (م ۴۴۹ ق) ، تصحیح : عبد الله نعمه ، قم : دار الذخائر ، ۱۴۱۰ ق ، اول . ۶۳. لسان العرب ، محمّد بن مُکرم المصری الأنصاری (ابن منظور) (م ۷۱۱ ق) ، بیروت : دار صادر ، ۱۴۱۰ ق ، اول . ۶۴. مجمع البحرین ، فخر الدین الطّریحی (م ۱۰۸۵ ق) ، تحقیق : السید أحمد الحسینی ، تهران : مكتبة نشر الثقافه الإسلامیّه ، ۱۴۰۸ ق ، دوم . ۶۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر مجمع البیان) ، الفضل بن الحسن الطّبرسی (أمین الإسلام) (م ۵۴۸ ق) ، تحقیق : السید هاشم الرسولی المحلّاتی و السید فضل الله الیزدی الطباطبائی ، بیروت : دار المعرفه ، ۱۴۰۸ ق ، دوم . ۶۶. المزار ، محمّد بن مکی العاملی (الشهید الأول) (م ۷۸۶ ق) ، تحقیق : مدرسه الإمام المهدي (عج) ، قم : مدرسه الإمام المهدي (عج) ، ۱۴۱۰ ق . ۶۷. المزار ، محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م ۴۱۳ ق) ، تحقیق : محمّد باقر الأبطحی ، قم : المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید ، ۱۴۱۳ ق ، اول . ۶۸. المزار الكبير ، محمّد بن جعفر المشهدی (ق ۶ ق) ، تحقیق : السید جواد القیومی الإصفهانی ، قم : قیوم ، ۱۴۱۹ ق ، اول . ۶۹. المستدرک علی الصحیحین ، محمّد بن عبد الله الحاکم النیسابوری (م ۴۰۵ ق) ، تحقیق : مصطفى عبد القادر عطا ، بیروت : دار الکتب العلمیّه ، ۱۴۱۱ ق ، اول . ۷۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، میرزا حسین النوری الطّبرسی (م ۱۳۲۰ ق) ، قم : مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، ۱۴۰۷ ق ، اول . ۷۱. مسند الإمام زید (مسند زید) ، المنسوب إلى زید بن علی بن الحسين علیهما السلام (م ۱۲۲ ق) ، بیروت : منشورات دار مكتبة الحياه ، ۱۹۶۶ م ، اول . ۷۲. مسند أحمد بن حنبل ، أحمد بن محمّد الشیبانی (ابن حنبل) (م ۲۴۱ ق) ، تحقیق : عبد الله محمّد الدرویش ، بیروت : دار الفكر ، ۱۴۱۴ ق ، دوم .

ص: ۱۰۹

۷۳. مسند الشاميين ، سليمان بن احمد الطبرانی (م ۳۶۰ ق) ، تحقيق: حمدى عبد المجيد السلفى ، بيروت: مؤسسه الرساله . ۷۴ .
 مصباح الشريعه و مفتاح الحقيقه ، المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام ، شرح : عبد الرزاق گیلانی ، (م ۱۰۸۹ ق) ، تصحيح :
 جلال الدین محدث أرموى تهران : نشر صدوق ، ۱۴۰۷ ق ، سوم . ۷۵ . المصباح فى الأدعيه والصلوات والزيارات ، إبراهيم بن على
 الحارثى العاملى (الكفعمى) (م ۹۰۰ ق) ، قم : منشورات الشريف الرضى . ۷۶ . مصباح المتهجد ، محمد بن الحسن الطوسى (الشيخ
 الطوسى) (م ۴۶۰ ق) ، تحقيق : على أصغر مروراید ، بيروت : مؤسسه فقه الشيعه ، ۱۴۱۱ ق ، أول . ۷۷ . المصباح المنير فى غريب
 الشرح الكبير للرافعى ، أحمد بن محمد الفيومى (م ۷۷۰ ق) ، قم : مؤسسه دار الهجره ، ۱۴۱۴ ق ، دوم . ۷۸ . المصنّف فى الأحاديث
 والآثار ، عبد الله بن محمد العيسى الكوفى (ابن أبى شيبه) (م ۲۳۵ ق) ، تحقيق : سعيد محمّد اللخام ، بيروت : دار الفكر . ۷۹ .
 مطالب السؤل فى مناقب آل الرسول ، محمد بن طلحه النصيبى الشافعى (م ۶۵۲ ق) ، تحقيق : ماجد أحمد العطيه ، بيروت : مؤسسه
 أمّ القرى ، ۴۲۰ ق . ۸۰ . معانى الأخبار ، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ،
 قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، ۱۳۶۱ ش ، أول . ۸۱ . معانى الأخبار ، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق) ،
 تحقيق : على أكبر الغفارى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، ۱۳۶۱ ش ، أول . ۸۲ . معجم مقاييس اللغة ، أحمد بن فارس الرازى (م
 ۳۹۵ ق) ، تحقيق : عبد السّلام محمد هارون . مصر : شركه مكتبه مصطفى البابى و أولاده . ۸۳ . المعيار و الموازنه ، محمد بن عبد
 الله الإسكافى (م ۲۴۰ ق) ، تحقيق : محمد باقر المحمودى . ۸۴ . مفردات الفاظ القرآن ، حسين بن محمد الراغب الإصفهاني (م
 ۴۲۵ ق) ، تحقيق : صفوان عدنان داوودى ، بيروت : دار القلم ، ۱۴۱۲ ق ، أول . ۸۵ . مكارم الأخلاق ، الفضل بن الحسن الطبرسى
 (أمين الإسلام) (م ۵۴۸ ق) ، تحقيق : علاء آل جعفر ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، ۱۴۱۴ ق ، أول .

ص: ۱۱۰

۸۶. مكارم الأخلاق ، عبد الله بن محمد القرشي (ابن أبي الدنيا) (م ۲۸۱ ق) ، بيروت : دار الكتب العلميه ، ۱۴۰۹ ق . ۸۷ . مناقب آل ابى طالب (المناقب لابن شهر آشوب) ، محمد بن على المازندراني (ابن شهر آشوب) (م ۵۸۸ ق) ، قم : المطبعه العلميه . ۸۸ . المناقب (المناقب للخوارزمي) ، الموفق بن أحمد المكي الخوارزمي الخطيب (م ۵۶۸ ق) تحقيق : مالك المحمودي ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۴۱۴ ق ، دوم . ۸۹ . المواعظ العديّه ، محمد بن محمد بن الحسن الحسيني العاملي (ابن القاسم) (ق ۱۱ ق) ، تحرير : على المشكيني الأردبيلي ، تحقيق : على الأحمدي الميانجي ، قم : الهادي ، ۱۴۰۶ ق ، چهارم . ۹۰ . مهج الدعوات و منهج العبادات ، على بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق) ، تحقيق : حسين الأعلمی ، بيروت : مؤسسه الأعلمی ، ۱۴۱۴ ق ، أول . ۹۱ . ميزان الحكمه با ترجمه فارسي ، محمد محمدی ری شهری ، ترجمه : حميد رضا شيخی ، قم : دارالحدیث ، ۱۳۷۷ ش . ۹۲ . نثر الدرّ ، منصور بن الحسين الآبي (أبو سعيد الوزير) (م ۴۲۱ ق) ، تحقيق : محمد على قرنه ، مصر : الهيئه المصريه العامه ، ۱۹۸۱ م ، أول . ۹۳ . النهايه فى غريب الحديث و الأثر ، مبارك بن محمد الجزري (ابن الأثير) (م ۶۰۶ ق) ، تحقيق : طاهر أحمد الزاوى ، قم : مؤسسه إسماعيليان ، ۱۳۶۷ ش ، چهارم . ۹۴ . النهايه فى مجرد الفقه و الفتاوى ، محمد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ۴۶۰ ق) ، بيروت : دار الكتاب العربى ، ۱۳۹۰ ق . ۹۵ . وسائل الشيعة اءلى تحصيل مسائل الشريعة ، محمد بن الحسن الحرّ العاملي (م ۱۱۰۴ ق) ، تحقيق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ۱۴۰۹ ق ، أول . ۹۶ . وقعه صفين ، نصر بن مزاحم المنقرى (م ۲۱۲ ق) ، تحقيق : عبد السلام محمد هارون ، قم : مكتبه آيه الله المرعشى ، ۱۳۸۲ ق ، دوم .

ص: ۱۱۱

..

ص: ۱۱۲

..

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

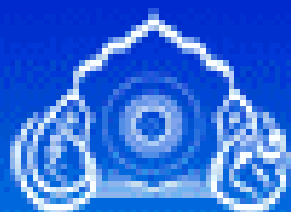
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

